

حیدر سعیدی

ایمیل:

Hn_saeidi@yahoo.com

وابستگی:

لیسانس ادبیات، معلم بازنشسته، محقق
فرهنگ آذربایجان

چکیده:

روستای شکریازی سلماس در محال کوره سینلی سلماس واقع است. محال کوره سینلی از شمال سلماس شروع و به دره قوطور خوی منتهی می شود. اهالی زحمتکش و فعال این محال از ترکان آذربایجان بوده و دارای مذهب شافعی می باشند. از نظر تاریخ تشکل، آداب و رسوم ضمن داشتن اشتراکاتی با سایر آذربایجان دارای پاره ای مراسمات خاص خود می باشند که یادگاری از گذشته های بسیار دور می باشد. در این مقاله به تاریخچه کوره سینلی ها، فرهنگ و آداب و رسوم روستای شکریازی سلماس پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: شکریازی، سلماس، کوره سینلی، آذربایجان، فرهنگ

استناد (آپا):

سعیدی، ح. مونوگرافی روستای شکریازی از محال کوره سینلی سلماس. ارومیه: فصلنامه تخصصی "مطالعات تاریخ آذربایجان و ترک" سال ۰۲، شماره ۰۶، زمستان ۱۴۰۳. ۸۶۹۰-۳۰۴۱ شاپا

Heydar Saeidi

Email:

Hn_saeidi@yahoo.com

Affiliation:

Bachelor of Literature, Retired
Teacher, Researcher of
Azerbaijani Culture

Monograph of Shakariyazi Village in the Kura Sinli District of Salmas

Abstract:

The village of Shakriyazi in Salmas is located in the district of Kure Sinli in Salmas. The Kure Sinli district starts from the north of Salmas and ends at the Qotor Valley in Khoy. The hardworking and active residents of this district are of Turkic descent from Azerbaijan and practice the Shafi'i school of thought. In terms of historical formation, customs, and traditions, while sharing some similarities with other regions of Azerbaijan, they also have certain unique ceremonies that are remnants of very ancient times. This article discusses the history of the Kure Sinli people, as well as the culture and customs of the village of Shakriyazi in Salmas.

Keywords: Shakariyazi, Salmas, KuraSinli, Azerbaijan, Culture

CITATION (APA):

Saeidi, H. Monograph of Shakariyazi Village in the Kura Sinli District of Salmas. Urmia: "Studies on Azerbaijan and Turk's history" Specialized Journal, year 02, number 06, winter 2025, ISSN: 3041-8690.

Heydər Səidi

E-poçt:

Hn_saeidi@yahoo.com

Mənsubiyyət:

Ədəbiyyat müəllimi,
Azərbaycan mədəniyyəti
tədqiqatçısı

Salmasın Kürəsinli rayonundakı Şəkəriyazi kəndinin monoqrafiyası

Xülasə:

Şəkəriyazi kəndi Salmas şəhərinin Kürəsinli rayonunda yerləşir. Kürəsinli rayonu Salmasın şimal hissəsindən başlayaraq Xoyun Qotur dərəsinə qədər uzanır. Bu rayonun çalışqan və fəal əhalisi Azərbaycan türklərindən ibarət olub, Şafii məzhəbinə mənsubdurlar. Tarixi formalaşma, adət-ənənələr baxımından ümumi Azərbaycan mədəniyyəti ilə oxşar cəhətlərə malik olsalar da, qədim dövrlərdən qalma bəzi özünəməxsus mərasimlərini qoruyublar. Bu məqalədə Kürəsinli əhalisinin tarixi və Salmasın Şəkəriyazi kəndinin mədəniyyəti və adət-ənənələri araşdırılır.

Açar sözlər: Şəkəriyazi, Salmas, Kürəsinli, Azərbaycan, mədəniyyət

CITATION (APA):

Səidi, H. Salmasın Kürəsinli rayonundakı Şəkəriyazi kəndinin monoqrafiyası. Urmiya: "Azərbaycan və Türk tarixi araşdırmalar" İxtisaslaşdırılmış Jurnal, il 02, nömrə 06, qış 2025, ISSN: 3041-8690.

Heydar Saeidi

E-posta:

Hn_saeidi@yahoo.com

Üyelik:

Edebiyat Öğretmeni,
Azerbaycan Kültürü
Araştırmacısı

Salmas'ın Küresinli Bölgesindeki Şekeryazi Köyü Monografisi

Özet:

Şekeryazi Köyü, Salmas'ın Küresinli bölgesinde yer almaktadır. Küresinli bölgesi, Salmas'ın kuzeyinden başlayarak Hoy'un Kotur Vadisi'ne kadar uzanır. Bu bölgenin çalışkan ve aktif sakinleri, Azerbaycan Türklerinden oluşmakta ve Şafii mezhebine mensupturlar. Tarihsel oluşum, gelenek ve görenekler açısından genel Azerbaycan kültürüyle benzerlikler taşısalar da, çok eski dönemlerden kalma kendilerine özgü bazı törenleri korumaktadırlar. Bu makalede, Küresinli halkının tarihi ve Salmas'ın Şekeryazi Köyü'nün kültürü ile gelenekleri ele alınmıştır.

Anahtar Kelimeler: Şekeryazi, Salmas Küresinli, Azerbaycan, Kültür

CITATION (APA):

Saeidi, H. Salmas'ın Küresinli Bölgesindeki Şekeryazi Köyü Monografisi. Urmiye: Üç Aylık "Azerbaycan ve Türkiye Tarihi Üzerine Araştırmalar" Uzmanlık Dergi, yıl 02, sayı 06, kış 2025, ISSN: 3041-8690.

روستای شکریازی در استان آذربایجان غربی و در اطراف شهرستان سلماس قرار دارد. این روستا در منطقه کوره سینلی واقع شده است و به دلیل طبیعت زیبا و آب و هوای مطبوع، یکی از مقاصد گردشگری محبوب در این منطقه محسوب می شود. روستای شکریازی دارای تاریخی کهن است و مردم آن به زبان ترکی صحبت می کنند. همه مردم این روستا مسلمان و اهل تسنن می باشند و فرهنگ محلی آنان با آداب و رسوم خاصی که در جشن ها و مراسم های مختلف به نمایش گذاشته می شود، و فرهنگ غنی و متنوع دارند. روستای شکریازی با مناظر طبیعی، خیره کننده ای از جمله تپه های سرسبز و دشت های وسیع شناخته می شود. وجود چند چشمه با آب های زلال از دیگر جذابیت های طبیعی این روستا است. این منابع آبی علاوه بر زیبایی طبیعی، به تأمین آب کشاورزی و آشامیدنی کمک می کنند. اقتصاد روستای شکریازی عمدتاً بر پایه کشاورزی و دامداری و باغداری استوار است. ساکنان این روستا به کشت محصولات می مانند گندم، جو و نخود و سبزیجات و میوه ها مشغول هستند. دامداری نیز نقش مهمی در تأمین معاش مردم دارد و تولید محصولات لبنی مانند شیر، ماست، پنیر و کره رایج در این منطقه است. صنایع دستی در روستای مزبور یکی از ویژگی های بارز این منطقه است. زنان و مردان روستا با بافتن فرش، گلیم، و دیگر محصولات دستی، هنر خود را به نمایش می گذارند. این صنایع دستی علاوه بر تأمین نیاز های محلی، در بازارهای خارج از روستا نیز به فروش می رسند و مورد توجه قرار می گیرند. روستای شکریازی با طبیعت زیبای خود، و فرهنگ غنی و تاریخی کهن، یکی از مقاصد بی نظیر برای طبیعت دوستان است. توسعه پایدار و توجه به حفاظت از محیط زیست این روستا می تواند به حفظ و افزایش جذابیت های آن برای نسل های آینده کمک کند. دیدار از روستا تجربه فراموش نشدنی از مهمانداری و فرهنگ محلی را برای هر بیننده ای با خاطرات خوب به ارمغان می آورد. برای نگارش این مقاله، اطلاعات مورد نیاز از منابع محلی و تحقیقاتی در منطقه کوره سینلی اطراف سلماس در استان آذربایجان غربی گرد آوری شده است.

ابتدا قبل از هر چیزی لازم می دانم تا حدی از بیوگرافی کوره سینلی ها و اقوام روستا اطلاعات لازم را در اختیار خوانندگان عزیز قرار دهم.

قبل از هر چیز باید بدانیم که ذکر این نام برای قوم کوره سینلی از کجا و از چه نوع کلمات سرچشمه می گیرد؟ متأسفانه در این مورد سند محکم در هیچ کتابی و یا سندی مشاهده نمی شود. ولی روایتهای مختلف در این مورد ارائه شده که هیچ کدام صد در صد مورد تأیید واقع نشده اند. کلمه کوره سینلی به عنوان یک ملت در اسناد تاریخی به طور محکم مشاهده نشده است. اما در نوشته ها در سال ۱۷۳۱ رهبر عشیرت دُنبلی به نام شهباز خان که حاکم شهرستان خوی بود در قلعه خوی اشاره ای به قوم کوره سینلی شده است که در مقابل عبدالله پاشا عثمانی از مدافعان آنها اسمی برده شده است. تا این زمان به سند کلی که دال بر اسم این قوم بوده باشد روبرو نشده ایم. اسنادی که در مورد شان صحبت خواهیم کرد هر کسی در زمان خود بدون سندیت شفاهاً به کار برده اند. ما تلاش می کنیم در این مقاله به مدارکی که مواجه می شویم در اختیار خوانندگان عزیز قرار

دهیم. (کور حسنیلر: گویا یک رهبر نا بینا به نام حسن داشته اند که این قوم را کور حسنی، بعد کوره سینلی به کار برده شده است. دیگر از اسناد محتمل اینکه، صفویان یکی از رهبران این قوم که حسن نام داشت اورا کور کرده و کور حسنی یعنی اولاد کور حسن می گفتند. البته این مورد در کتاب عالم آرای عباسی نیز در ص ۸۱۹ رؤیت شده است. در این کتاب اسامی مصطفی پاشا، احمد پاشا، کور حسن و دو پسر کورد قاضی خان، به نام های شاه گولی و خلیل بیگ و پسر عموی آنها محمد خان گوچواوغلی اورمی در قلعه اورمی اسامی ذکر شده قید گردیده است. شخصیت های ذکر شده با حسن خان افشار و فرزندانش در قلعه اورمی اعتراض کرده بودند.

کور حسنی اسم یک قبیله دیگر ترک است. آنها از ترک های افشار هستند، و این قبیله شیعی مذهب و شاهسون هستند. اینها در استان زنجان در منطقه سهروردی زندگی می کنند

قره حسین و کور حسین: این اسم ها مشهورترین نام ها از بزرگان جلالی ها گرفته شده که در زمان صفویه قره حسین لو یا کور حسینی می نامیدند که این اسم بعدها به نام قره حسینی یا کور حسینی نامیده می شدند. اسم این دو کماندو در عالم آرای عباسی در صفحه ۷۷۰ قید شده است. البته این اسم را از زمان صفویه ها با خود حمل می کنند.

کورا سوننی: به سبب سنی بودن شان در میان کورد ها، کورا سوننی یعنی پسران سوننی، که این نیز دور از واقعیت نیست. با توجه به اینکه متأسفانه تاریخ مستند از پیدایش روستا در دست نیست و هرچه گفته یا نوشته می شود به صورت شفاهی و دهن به دهن گفته می شود و احتمال اینکه صحت نداشته باشد و یا اشتباهی نگاشته شود، هست. امید وارم اگر سندیت بهتر داشته باشید مرا راهنمایی کرده و در اصلاح آن سهیم باشید. با توجه به کتاب دکتر توحید ملک زاده (تاریخ ده هزار ساله سلماس و غرب آذربایجان) یکی از وقایع مهم ورود جلالی ها به آذربایجان، حرکت طایفه کوره سینلی به سلماس و استقرار آن ها در سلماس بود. کوره سینلی ها از ایل چینی یکی از ۲۴ قبیله اوغوز بودند. اینان قبل از صفویه، در آناتولی در جنوب دریای سیاه در منطقه گیرسون زندگی می کردند و تمایلات صوفیانه داشتند. همین امر سبب بروز اختلاف ها و تنش هایی بین عثمانی ها و چینی ها گشت. بر اساس نوشته های ولایتنامه، چینی ها از مریدان اولیه حاجی بکتاش ولی بودند. در سال ۱۲۷۹ چینی ها به صورت دسته جمعی به سینوپ در کنار دریای سیاه دیده می شوند. در تاریخ منطقه از درگیری چینی ها با احکام طرابوزان سخن به میان آمده است. چینی ها در زمان اوزون حسن به حکومت آق قویونلوها پیوستند که در رأس آنها ایل - آلدی بگ قرار داشت. در زمان صفویه نیز چینی ها زیر فرمان امپراطوری صفوی قرار داشت. باقی چینی های ساکن عثمانی در جنگ های مختلف عثمانی - صفوی به نفع صفویان وارد جنگ می شدند. مثلاً در یکی از جنگ ها قلعه ارجیش را تسلیم صفویه نمودند (و در جایی هم تسلیم قلعه را به گردها نسبت می دهند). در سال ۹۷۶ ه (۱۵۶۸م) به فرمان سلطان عثمانی تمام چینی های شهرستان وان در ترکیه از منطقه هم مرز آذربایجان اخراج شدند. در وان علیرغم تضییق عثمانی ها به آنها از نفوذ چینی ها

کاسته نشده بطوری که در سال ۹۵۵ (۱۵۴۸) در زمان سلطنت سلطان سلیمان قانونی، حاکم وان از ترکان چینی بود. جالب اینکه در عین زمان حاکم اورمیه، سلیمان چلبی نیز از ترکان چینی بود. وی در جنگ با عشایر گُرد کشته شده. پس از ورود چینی ها به سلماس از آنجایی که اینان از محال گیره سون عثمانی (شرق آناتولی) آمده بودند در میان مردم آذربایجان به گیره سونلی یا کوره سونلی مشهور شدند. بیش از ده روستای سلماس امروزه کوره سینلی یا کوره سینلی نشین می باشد. لهجه اهالی کوره سینلی سلماس ما بین لهجه آذربایجان و آناتولی می باشد. فولکلور اینان نیز عیناً مانند سایر مردم آذربایجان می باشد). موارد فوق در کتاب «کوره سینلی ایزنده احمد یسوی دن پیر سالتوکا» نوشته فیروز سعیدی به زبان لاتین استانبولی نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

بانیان روستای شکرپازی

تا حدی در اینجا کوره سینلی ها چگونه واز کجا آمدنشان روشن شد و حالا بر می گردیم به مردم خود شکرپازی که چگونه واز کجا و چه زمانی آمده اند. در اینجا ترجمه نوشته از کتاب (کوره سینلی ایزنده احمد یسوی دن پیر سالتوکا) نوشته «فیروز سعیدی را به عنوان شاهد دیگر در می آورم». از روستای شکرپازی مورد بحث با توجه به بیانات شفاهی، در زمان صفویه همراه با جلالی ها از خاک عثمانی به ایران مهاجرت کرده اند. فردی به نام محمد فرزند گرایبی دوبرادر دیگر به نام های شرفی و شیدایی نیز داشته است. گرایبی در حین اعتراض به سیستم تیمار دولت عثمانی همراه با کوراوغلی و مصطفی بیگ در روستای «یسی ویران» آنکارا به عصیان محمد پاشا قلندر اوغلی پشتیبانی خود را اعلام کردند. وزیر عثمانی کؤیوچی مراد پاشا که در جنگ شکست خورده بود همراه با او به خاک صفوی آمده بودند. گرایبی در میان کوره سینلی، روستاهای خوی و سلماس زندگی کردنش مشخص است. به نظر می رسد که گرایبی همزمان با کوراوغلی در یک اردو بودنش را نشان می دهد. یکی از سران گرایبی به نام محمد، گویا در گردنه کاو (کاو گدوگی) که از طرف وزیر آذربایجان برای او به عنوان کنترولی به او مسئولیت داده بود. این گردنه جایی بود که مسافران تبریزی و اورمیه ای از شرفخانه برای رفتن به خوی مجبور بودند از همان جا عبور کنند. ضمناً یاد آوری کنم که کاملش در جای دیگر توضیح داده شده است. نام روستا با آنهایی که از خاک عثمانی آمده بودند مناسبت دارد. که در ابتدا به نام (شکریا آک یازی)، اگر با چینیها هم مناسبت داشته باشد، بعداً از روستاهای بولو سانجایی، به نام روستای «چاکراز» احتمالش بیشتر می شود. در آذربایجان غربی از ایالت های ایران، جلالی ها که از عثمانی به این منطقه مهاجرت کرده بودند در جاهایی که بزرگانشان می زیستند اسم همان جاها را در ایران نیز برای منطقه خود انتخاب کرده بودند. به هنگام آمدن جلالی ها با توجه به ارزش اجتماعی کوراوغلی، جایی که می زیست چنلی بئل نامگذاری کرده و به احترام وی محل زندگی او را قلعه کوراوغلی نیز نامگذاری کرده اند. کلمه «چاکراز» با گذشت زمان به شاکراز تغییر یافته بود. دولت نیز برای

اینکه اسم با مسمی بوده باشد شکریاز (شکر و یاز) تغییر نام داده بود. در عثمانلی سال ۱۵۳۰ روستای بولو سانجاغی به نام چاکراز، که مربوط به ایالت اولوس می باشد. زندگی کوراوغلی را در بولو سانجاغی در شهر گره ده، در آرشیو دولت عثمانی مشخص است. گرای یا گرای همراه با جلالی ها آمده بود. بنا به گفته ها بزرگ خاندان شکریازی کوره سینلی (گراوی آقا) می باشد. سه برادر از یک طایفه از عثمانی به ایران مهاجرت می کنند به نام های شیدایی، شرفی و گراوی یا گرامی. گراوی به منطقه ای در محال کوره سینلی آمده که دارای سه پسر داشت: محمد، احمد و علی. محمد نیز دوپسر داشت به نام های خداوردی و علی (عالی)، که خداوردی بزرگ هفت طایفه است و علی یا عالی بزرگ طایفه جوادلی ها می باشد. چنانکه گفته شد گویا سه برادر بوده اند به نام های: محمد- احمد و علی. که از «نوردوز» ترکیه به خاطر مخالفت با دولت وقت ترکیه به اینجا مهاجرت کرده اند. که احمد آقا به روستای چیچک رفته و سلاله او شامل شیعه های این روستا هستند. علی آقا به روستای رها ل خوی و در آنجا ساکن شده بود. اما محمد آقا که پدر بزرگ طوایف شکریازی بوده به ملا جُنید رفته و در آنجا سکونت می گزیند. دو پسر داشت به نام های: خداوردی و عالی (علی)؛ که ابتدا در ملاجنید قره تپه می زیسته و بعد از چند سال محمد آقا سرحد دار (مرزبان) می شود و در آنجا یعنی گردنه گاو (کاو گدی). که در کتاب دکتر توحید ملک زاده (تاریخ ده هزار ساله سلماس) در این مورد بیان نموده عیناً یادآوری می کنم «گزارش های کوتاه از سلماس: (از ۱۲ شوال ۱۳۰۹ ق. تا رجب ۱۳۱۳ ق) راپورت سه شنبه ۱۸ ذی القعدة الحرام ۱۳۰۹» از قراری که خبر رسید در گردنه کاو که معبر شتر و گاو بود و راه قوافل به طرف اورمی و تبریز است، پُر نشیب چند نفر دزد پیاده با تفنگ های ته پُر، بر سر شتر دار ریخته، زد و خورد نموده، یک لنگه هم بار چیت برده اند.» بنا به گفته ها در این زمان ها در پیش احمد آقا چلبی نامی که همان بزرگ خانواده چاووشی ها بود و یکی دیگر غریب که همان بزرگ خانواده غریبلی ها بود. در همین وقتها بود که یک روزی اینها به خوی رفته و افرادی به نام چارناوود ها از ترکیه آمده بودند و اینها علی را که تنها بود با او مقابله کرده و نمی تواند از خود دفاع کند در نتیجه او را می کشند، در حالی که علی تازه ازدواج کرده بود و این خبر به گوش خداوردی برادرش می رسد که چارناوود ها برادرت را کشته اند. خداوردی آنها را دنبال کرده و در خوی پیدایشان می کند و از چلبی می خواهد که جسارت نشان بدهد تا اینها را از شهر بیرون بکشیم و قصاص برادرم گرفته شود. بعد از روبرویی با اینها سوال می کنند از کجا می آید و به کجا می روید؟ و در جواب می گویند: از ترکیه آمده و دوباره از راه بابرزن (مرز جغرافیایی ایران و ترکیه) به آنجا بر می گردیم. بعد از اینکه خود اقرار کردند که ما کشته ایم و از کرده خود نیز پشیمان نبودند. و قتیکه آنها یقین می کنند که قاتل برادرش همین ها هستند و تعداد شان هشت نفر بود. اینها می آیند دوباره از قره تپه به طرف ترکیه بروند و می آیند به نزدیکی های قره تپه آمده و بدست برادر علی کشته می شوند.

خداوردی که همان طایفه خداوردی ها می باشد، فرزنداناش به ترتیب زیر می باشند.

-حسن آقا همان طایفه رحیمی ها

-شرفخان بزرگ طایفه شرفخان

-یوسف رئیس طایفه قاسمی ها

-محراب بزرگ طایفه محرابیها

-میرزا آقا همان طایفه خان ها

-گول سید بزرگ طایفه سعیدی ها

طوایف اولیه شکریازی که بزرگشان حسن آقا بود بزرگ طایفه رحیمی می باشد، حسن آقا پسری داشته به نام جمال، که تمام قوم وخویشش به ترکیه مهاجرت کرده اند به جزء رحیمی ها وهادیفرها .

دیگر طایفه شرفخان است که شامل حاجی عزیز نورمحمدی وحاجی عزیز عیسی پور و ولی عیسی پور و محمدعلی شرفخانی پدر طاهر واحمد علی، احمد علی پور پدر عبدالله و علی شیرین پدر کرم طهماسبی وگلمحمد شفیعی و چند خانواده دیگری نیز در ترکیه ساکن هستند .

دیگر از طوایف یوسف آقا بود. که بزرگ خانواده قاسمی ها می باشد .

یکی هم محراب بود که فتاحی ها و رحیم زاده ها و رضایی ها و آقا بالازاده ها که ساکن بالو هستند. دیگر از طوایف روستا طایفه عالی است که همان فرزندان عالی بودند و خانواده حاجی اسلام جواد و رحمت الله و اسکندر قلندر می باشند. طایفه خودویی ها از مهاجران وان ترکیه بودند گویا سه برادر بودند، یکی در بالو ساکن می شود ودو برادر دیگر، یکی به شوریک ودیگری به شکریازی می آید که خانواده حاج ضیاء الدین وحاج امین وقلیزاده ها و بهلول رادمرد و دیگر سلاله اش را شامل می شود و علاوه بر اینها چندین خانواده نیز در ترکیه ساکن هستند و شناخته شده می باشند.

طایفه عظیمی ها نیز از کانیان به این روستا آمده اند که شامل خانواده بزرگ ملا طاهر و فرزنداناش حاج محمد وخلیل واولاد آنها و همچنین یوسف و برادرانش و اولاد آنها که با فامیلی عظیمی هستند. طایفه هرتون ها که شامل خانواده های تقی زاده ها و علیزاده ها و سلیمان قاسمی و محمود قاسمی بودند خودش مسیحی بود و بعد، در زمان حاجی افندی مسلمان می شود و بنا به دستور ایشان هر خانواده ای زمین مزروعی را در اختیارش می گذارند و به زندگی خود با دین اسلامیت ادامه می دهد. دیگر از طوایف یکی هم طایفه ای ها هستند که از روستای اولق سلماس با دختری ازدواج کرده و از اوغورلی اورمیه آمده بود که خانواده بزرگ حسینیعلی و حسنعلی بودند. چاووشی ها هم از ترکیه آمده اند و از اسب سواران خداوردی بودند .

یعنی بنا بگفته ریش سفیدان، چاوشی ها از سوارکاران خداوردی بودند که همان قره چلبی بود وپسرش چاووش نام داشت. بزرگ خانواده ایلچی ها از سیاباز خوی آمده اند که در آن زمان سیاباز سنی مذهب بودند .

علاوه بر اینها، اشرفی ها از بیرون آمده بودند.

دیگر از اقوام روستای شکاریازی غریبلی ها هستند که ایشان نیز بنا به گفته ها از قطور خوی مهاجرت کرده اند و بزرگ خانواده غریب نامی بود واز بزرگان آنها سید و پسرانش داداش و خان ابدال محمود، آقا و مرادعلی بودند. دیگر از طوایف روستا، که از سایر نقاط به اینجا آمده اند هیچ فرقی با دیگر طوایف ندارند و خوشبختانه تمام شان مثل یک خانواده بزرگ در محدوده این روستا به زندگی صمیمی خود ادامه می دهند و با زندگی سر وکله می زنند. با اینکه طوایف شکاریازی هر کدام از یک جایی به اینجا هجرت کرده اند هیچکدام بر دیگری ارجحیت ندارند همه شان محترم و مانند برادر ویک خانواده، سالهای سال با هم با مهربانی زیسته اند و در ناملایمات و سختی ها به مانند یک خانواده به یاری هم شتافته اند و هیچ طایفه ای بر دیگری ارجحیت نداشته و به کمک همدیگر روستای بزرگ شکاریازی را تشکیل داده اند. با اینکه امروزه شاید اگر عراق نباشد بیش از نصف روستا در ترکیه و در جاهای دیگر ایران از جمله در سلماس، خوی، اورمیه، تبریز، تهران و دیگر شهرها سکونت گزیده اند و در ترکیه نیز خصوصاً در شهرستان وان با احترامی که برای خود حفظ کرده اند به زندگی شرافتمندانه خود ادامه می دهند. روستای مزبور در شغل کشاورزی و دامداری و باغداری مشغول هستند و تا حدی افراد موفق می باشند.

مهاجرت دوباره اهالی شکاریازی به ترکیه در سال ۱۳۰۱ ش

تا حالا مشخص شد که چگونه و از کجا آمدنشان معلوم گردید ولی دوباره مهاجرتشان چگونه و چرا انجام یافته مختصری توضیح داده می شود.

گویا بعد از شکست اسماعیل آقا در سال ۱۳۰۱ شمسی، نامه ای از طرف سرتیپ فضل الله زاهدی به وسیله سید حسن سلماسی به رؤسای کوره سینلی نوشته که اسلحه هایشان را زمین گذاشته و تسلیم دولت دهند و برای اطاعت در امر دولت حاضر شوند. در این موقع تقریباً ۲۵ و ۲۶ مرداد ۱۳۰۱ قشون دولت به سیلاب واز آنجا به راویان حرکت می کنند و در اینجا بود که اطلاع داده شد کوره سینلی ها دعوت دولت را به تسلیم قبول نکرده و به طرف خاک عثمانی کوچ می کنند. قشون دولت کوره سینلی ها را تعقیب کرده و از یک کوره راهی به طرف غرب امتداد یافته واز آنجا که یک رودی که در امتداد دره قریه از مشرق به مغرب امتداد می یافت، و در آنجا عده ای در قتل خیلی مرتفع سنگر گرفته و در خط عقب نشینی زن و بچه و احشام خود را حفظ می کردند. در این زمان بود که محمد قسیم افندی و محمدصادق و محمد پارسا که از علمای کوره سینلی آن منطقه بودند، با قریب یک صد و پنجاه نفر مرد و زن و بچه اسیر گردیدند. محمد قسیم افندی را با احترام پذیرائی و بعد مرخص می

نمایند. از او درخواست کرده تا اتباع و مرید های خود به هر کسی اطمینان داده و به خاک ایران برگرداند. سایرین را هم از قرار هر نفری پنج قران انعام داده مرخص می نمایند. فقط محمد صادق و محمد پارسا را با خود به خوی می برند که عجلتاً وثیقه عملیات محمد قسیم افندی باشند. نیروی دولت نیز ۲۸ برج اسد قوای خود را در گردنه کشکول توقف نموده و صبح روز ۲۸ به طرف یزدکان حرکت می کند .

کوره سینلی ها چه در آذربایجان و چه در ترکیه با سر بلندی زندگی را ادامه می دهند. البته مردم شکریازی و دیگر کوره سینلی ها که به ترکیه مهاجرت کرده اند، بعد از مدتی که آرامش برقرار شد دوباره به ایران برگشته و در منطقه قبلی خود به زندگی معمولی پرداخته اند. ولی تعدادی هم در ترکیه برای همیشه ماندگار شدند و در آن زمان دولت عثمانی هم از آنها حمایت کرده و دارای زمین و اموال دیگر در اختیارشان گذاشته است. افرادی که در ترکیه خصوصاً در شهرستان وان ماندگار شده اند تا چند سال پیش چند نفری در حال حیات بودند. ولی امروزه دیگر از آنهايي که از ایران مهاجرت کرده بودند دیگر کسی زنده نمانده. ولی اولادشان ساکن ترکیه می باشند. این افراد در جای، جای مناطق ترکیه سکونت گزیده اند. هنوز هم ارتباط شان از ایران منطقه پدری شان قطع نشده است. در آنکارا و استانبول و دیگر شهر های ترکیه از قبیل آنتالیا، ازمیر و آدانا و غیره با سربلندی زندگی می کنند و ارتباطشان را از ریشه یعنی روستای شکریازی قطع نکرده اند.

معرفی روستای شکریازی

این روستا در شمالغرب ایران در استان آذربایجان غربی، یکی از روستاهای تابعه شهرستان سلماس به شمار می رود، که با محاسبه تقریبی ۸۰۰ کیلومتر از پایتخت کشور (تهران) قرار گرفته و از مرکز استان یعنی اورمیه ۱۲۰ و از شهرستان تابعه خود سلماس ۳۰ کیلومتر فاصله دارد. چنانکه یادآور شدیم این روستا در شمالغرب کشور واقع است. با واقع شدن در محدوده جغرافیایی خاصی که مرز های آن به صورت زیر تعیین گردیده است: از طرف شمال روستای شکریازی، با روستاهای سید تاج الدین و ملا جنید همجوار و این هردو از توابع روستاهای شهرستان خوی هستند. پس از گذشتن از روستای ما، در شمال به روستاهای مزبور خواهید رسید. از غرب، روستای ما، با مافی کندی ۳ کیلومتر و پس از گذشتن از آن به کانیان می رسید که نزدیک به ۸ کیلومتر فاصله دارد.

از شرق به روستاهای خاندام و چوبانلو و حیدرآباد، که چندان فاصله ای ندارند. از طرف جنوب که گسترش یافته با مزارع روستاهای چیچک، حمزه کندی، صدقیان، حبشی، یالقوز آغاچ و سلطان احمد همسایه هستند. با توجه به توصیفات جغرافیایی، روستای مزبور در منطقه ای قرار دارد که این مکانها می توانند به عنوان نقاط مرجعی برای توصیف موقعیت روستایمان در نقشه استفاده شوند. روستای مزبور از شمال دارای رشته کوهی به نام «بویوک یال» کم ارتفاعی است که زنجیروار تا دماغه منطقه

شهرستان صوفیان در نزدیکی های جاده تبریز -مرند ادامه می یابد. در جنوب این رشته کوه زنجیره ای شهرستان تسوج، خامنه و شبستر نیز واقع شده اند که در اصطلاح محلی به آن ها با روستاهای توابع شان "گونی" می گویند.

در قسمت جنوب روستا مرتع وسیع و بزرگی واقع است، که در فصل بهار منظره بخصوصی در دید بیننده نمایان می شود، و تا تپه های «قلنج تپه» در دید انسان رؤیت می شود. از طرف شرق تا چند سال پیش دریاچه اورمیه نمایان می شد. ولی متأسفانه با تغییرات جوی جغرافیا و سیاست های غلط امروزه دیگر به جزء نمک چیزی نصیب دید مان نمی شود. از سمت غرب تپه های کانیان و مافی کندی و در فاصله دور کوه های مرز ایران و ترکیه با منظره های بسیار زیبا و قله های بلند در بیشتر مواقع همراه با برف نمایان می شوند. چنانکه مشخص است این روستا در منطقه کوره سینلی واقع شده است.

روستای نامبرده دارای مزارع و دامداری های پُر باری است که به عنوان مرکز تولید محصولات کشاورزی و دامی در منطقه شناخته می شود. باغداری نیز از فعالیت های مهم مردم این روستا است که با توجه به شرایط آب و هوایی و خاک منطقه، محصولاتی از قبیل: انگور، بادام، سیب، گلابی، زردآلو، آلوچه، سنجد و شاه توت تولید می شود. همچنین، کشاورزی در این روستا با تولید گندم، جو و نخود به رشد و پیشرفت خود ادامه می دهد. که گندم های این روستا در منطقه از نظر مرغوبیت حرف اول و درجه یک را شامل می شوند. همیشه مبلغی بیشتر از گندم دیگر مناطق به فروش می رسند.

دامداری نیز از فعالیت های مهم و قدیمی مردم این روستا است که از دیر باز توسط اهالی انجام می شود. در این دامداری ها، گاو، گوسفند، بز و مرغ و خروس پرورش داده می شوند که محصولاتی مانند شیر و گوشت و پشم و تخم مرغ تولید می کنند. بنابر این، دامداری نقش مهمی در تأمین غذای مردم این روستا دارد.

در کل، روستای ما به دلیل فعالیت های دامداری، کشاورزی و باغداری خود، به عنوان یک مرکز تولید محصولات کشاورزی و دامی در منطقه شناخته شده است. مردم این روستا با تلاش و کوشش خود در جهت پیشرفت و توسعه این صنایع، بهترین نتایج را به دست آورده اند و از قدیم گندم های دیمی این روستا در مرغوبیت قابل توجه بود و در میدان گندم چنانکه گفتیم با بیشترین قیمت به فروش می رسند. فرهنگ و سنت باغداری در این روستا، به عنوان شغل اصلی و قدیمی اهالی روستا به شمار می رود. فرهنگ و سنت های مرتبط با آن در طول سالها به وجود آمده است.

باغداری در روستا یک فعالیت اقتصادی است که در آن، مردم به کشت و کار محصولاتی مانند: میوه، سبزیجات، گیاهان دارویی، گلهای و غیره، در زمین های زیبای کشاورزی باغ ها مشغول می شوند. باغداری از طریق تولید محصولات غذایی و غیر غذایی، به رفاه و آسایش مردم کمک می کنند و همچنین در اقتصاد کشور نقش به سزایی دارند. روستائیان در بسیاری از مناطق دنیا به عنوان اصلی ترین منابع درآمدی برای مردمان روستایی و کشاورزان محسوب می شوند.

زندگی در روستای ما به دلیل وجود فضای سبز و طبیعی و همچنین فرهنگ ساده و آرام اهالی روستا، زندگی آرام و ساده ای دارد، که برای برخی افراد به عنوان فرار از شلوغی و هرج و مرج شهر مناسب است.

روستای ما دارای باغهای، انگور، بادام، زردآلو و شاه توت و دیگر میوه های گوناگون را دارا می باشد. در بالا نیز یادآوری کردیم. که در فصل میوه دهی از اهمیت بسیاری برخوردارند. این باغها به منظور تفریح و گردشگری به عنوان مکانی برای آرامش و استراحت مردم استفاده می شوند. باغهای این روستا در قدیم به وسیله قناتها و کهریزهایی که به وسیله مردم کنده شده و هر سال آنها را مرمت می کردند، و این چاه ها با کانالهای کوچک به یک استخر مانندی ریخته می شدند که در اصطلاح خود به آن حوض ها «گؤل» می گفتند، که این گؤل ها هر کدام تعدادی اشتراک داشتند و با توجه به سهم خود به تعداد ساعت از آن استفاده می کردند. این گؤل ها بزرگترین شان به نام «قازیالی گؤل» معروف بود. که به تعداد ۱۳ روز تقسیم شده بود و در این سیزده روز بعضی ها ۲۴ ساعت یا کمتر سهم داشتند. بنابر این هر کسی اگر ۲۴ ساعت سهم داشت می گفتند بیر گؤل و اگر ۱۲ ساعت سهم داشت یاریم گؤل و ۶ ساعت را چرک و اگر ۳ ساعت بود بیر سیه می گفتند. در ساعت معین دهنه آن را بسته و قبل از اتمام ساعتشان باید تمام می شد، تا دیگری سهمش را می برد. علاوه بر آن گؤل های دیگری از قبیل: قاپان گؤل، چرخه گؤل و دره باغچه گؤل (مختص گول سیدها) چشمگیر بودند که هر کدام به تعداد مشخص اشتراک داشتند. در شرق روستا ایده لی گؤل، حسوکندی گؤل و جزئی و نیز در شمال آن گزالان و چندتای کوچک دیگر نیز هر کدام کم و زیاد آب داشتند و در فصول بهار، تابستان و پائیز از آب آنها در آبیاری باغها استفاده می کردند. آبهای جاری دیگری نیز موجود بودند که با توجه به بارش بعضی اوقات آب شان خشک می شد. در سالهای بارندگی دارای آب زیاد بودند. ولی بعد از اینکه امکان چاه های عمیق مهیا شد، علاوه بر آب های یاد شده چند حلقه چاه عمیق کنده شد و در پیرامون این چاه ها باغهای قشنگی کاشته شده اند که به مراتب بر اقتصاد روستا و رفاه مردم افزوده شد.

روستای مزبور از شمال دارای رشته کوهی کم ارتفاعی است به نام «بؤیوک یال» که زنجیروار تا دماغه منطقه شهرستان صوفیان در نزدیکی های جاده تبریز - مرند ادامه می یابد. در جنوب این رشته کوه زنجیره ای شهرستان تسوج، خامنه و شبستر نیز واقع شده اند که در اصطلاح محلی به آن ها با روستاهای توابع شان "گونی" می گویند.

در قسمت جنوب روستا مرتع وسیع و بزرگی واقع است، که در فصل بهار منظره بخصوصی در دید بیننده نمایان می شود، و تا تپه های «قلنج تپه» در دید انسان رؤیت می شود. از طرف شرق تا چند سال پیش دریاچه اورمیه نمایان می شد. ولی متأسفانه با تغییرات جوی جغرافیا و سیاست های غلط امروزه دیگر به جزء نمک چیزی نصیب دید مان نمی شود. از سمت غرب تپه های کانیان و مافی کندی و در فاصله دور کوه های مرز ایران و ترکیه با منظره های بسیار زیبا و قله های بلند در بیشتر مواقع همراه با برف نمایان می شوند.

روستای شکرپازی دارای مزارع مراتع پُر باری است که به عنوان مرکز تولید محصولات کشاورزی و دامی در منطقه شناخته می شود. باغداری نیز از فعالیت های مهم مردم این روستا است که با توجه به شرایط آب و هوایی و خاک منطقه، محصولاتی که ذکرشان رفت بدست می آید.

در کل، روستای ما به دلیل فعالیت های دامداری، کشاورزی و باغداری خود، به عنوان یک مرکز تولید محصولات کشاورزی و دامی در منطقه شناخته شده است. مردم این روستا با تلاش و کوشش خود در جهت پیشرفت و توسعه این صنایع، بهترین نتایج را به دست آورده اند و از قدیم گندم های دیمی این روستا در مرغوبیت قابل توجه بود و در میدان گندم چنانکه گفتیم با بیشترین قیمت به فروش می رسند. فرهنگ و سنت باغداری در این روستا، به عنوان شغل اصلی و قدیمی اهالی روستا به شمار می رود. فرهنگ و سنت های مرتبط با آن در طول سالها به وجود آمده است. باغها در فصل میوه دهی از اهمیت بسیاری برخوردارند. این باغها به منظور تفریح و گردشگری به عنوان مکانی برای آرامش و استراحت مردم استفاده می شوند.

چنانکه یاد آوری شد، علاوه بر باغداری، دامداری نیز در روستای ما یکی از فعالیت های اصلی در بخش کشاورزی است که در آن، انواع حیواناتی مانند گاو، گوسفند، بز، خر، مرغ و خروس برای تولید محصولاتی مانند: شیر، گوشت، تخم مرغ مشاهده می شوند. در قدیم اسب و گاو میش نیز پرورش می دادند ولی به سبب نا مساعد این دوحیوان اصلی نایاب شد. دامداری یک صنعت اساسی در روستا نقش مهم در اقتصاد و تأمین نیاز های غذایی مردم دارد و برای تعدادی از مردم به عنوان منبع درآمد و کسب و کار برای مردم اهالی شناخته می شود. این فعالیت ها به دلیل نیاز به گوشت، شیر، پوست و سایر محصولات حاصل از دام ها از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. راه های دامپروری در آن زمان ممکن بود که شامل استفاده از مراتع عمومی، نگهداری از دام ها در اماکن مخصوص و استفاده از تجربیات محلی در مدیریت دامها باشد. این فعالیت به جوانان امکان می داد تا از نسلی به نسلی اطلاعات و تجربیات خود را در این زمینه انتقال دهند. در کنار این موارد، ارتباط مستقیم مردم با حیات وحش و طبیعت، برخی از ویژگی های مهم دامپروری در روستاهای قدیم را تشکیل می داد. زندگی روستایی قدیمی معمولاً با ارتباط نزدیک با حیوانات، فصل ها و طبیعت پیرامون همراه بود. افراد در روستاها عمدتاً به دامداری برای تأمین نیازهای غذایی و اقتصادی خود مشغول بودند. آن ها از منابع محلی برای ساخت وسایل کشاورزی و دامداری استفاده می کردند. در فصل بهار و تابستان، مردم ممکن بود به چرای دام ها در مراتع اطراف می رفتند و در فصل های سردتر، به استفاده از سیستم های گرمایشی سنتی برای حفظ گرما در اسطبل ها می پرداختند. این زندگی معمولاً نیاز به تشکیلات محلی و تجربه تقلیدی ها در انتقال دانش دامداری به نسل های جدید بود. در روستاهای سنتی قدیم، نگهداری گاو و گوسفند به شیوه های سنتی نگهداری می شد، گاو و گوسفند اغلب در اسطبل های سنتی نگهداری می شدند. این اسطبل ها معمولاً از مواد محلی ساخته می شدند و برای حفاظت از حیوانات در برابر آب و هوا و دیگر عوامل طبیعی مانند باران و برف مجهز می کردند.

در فصل گرما، گاوها و گوسفندها به مراتب محلی منتقل می شدند تا از علوفه های طبیعی تغذیه کنند. در فصل های سردتر، این حیوانات در اسطبل می ماندند و به طور محلی تهیه شده کاه، جو، یونجه و سایر علوفه ها به عنوان خوراک اصلی آنها استفاده می کردند.

نگهداری دامداری سنتی شامل توجه به نیازهای حیوانات، مراقبت از سلامت آنها و استفاده از تکنیک های محلی برای پرهیز از بیماری ها و مشکلات دامی می شدند. این سبک زندگی به ارث رفته ای است که از نسلی به نسلی منتقل می شود.

دامداری در روستاهای قدیم معمولاً در روستای یاد شده یکی از فعالیت های اصلی مردم وساکنان آن بود. این فعالیت اغلب به منظور تأمین غذایی، تولید محصولات لبنی، استفاده از منابع طبیعی منطقه مورد استفاده قرار می گیرد. دامداری در این مناطق می تواند تأثیر مهمی در اقتصاد و فرهنگ جامعه داشته باشد و به حفظ محیط زیست و توازن زندگی در این مناطق کمک کند. علاوه بر دامداری کشاورزی و باغداری نیز نقش های به سزایی در پیشرفت جوامع روستایی بوده اند. نقش کشاورزی و باغداری نیز به نوبه خود در روستاهای قدیم بسیار اساسی بوده و به عنوان منبع اصلی در آمد و تأمین غذا برای جامعه روستایی شناخته می شده است. این فعالیت ها نقش مهمی در تبادل اقتصادی و اجتماعی روستائیان را تحت تأثیر قرار داده است. از جمله اهمیت های این فعالیت ها در روستاها را می توان به موارد زیر اشاره کرد: تأمین غذا، اشتغال، توسعه اقتصادی، تأمین مواد اولیه را می توان نام برد. کشاورزی و باغداری به عنوان منبع اصلی تأمین غذای جامعه روستایی عمل می کند و بیشتر زندگی روزمره روستائیان بر پایه تولید محصولات زراعی و باغی استوار است. علاوه بر آنها کشاورزی و باغداری به عنوان یک صنعت اصلی، اشتغال زیادی را برای افراد روستایی فراهم می کند و به توازن اقتصادی و اجتماعی روستایی کمک می کند. تولید محصولات کشاورزی و باغی، منجر به توسعه اقتصادی در روستاها می شود. این فعالیت ها می توانند به عنوان منبع درآمد صادراتی نیز عمل کنند. از مواد دامداری گاو، گوسفند، بز و از کشاورزی گندم، جو و نخود و دیگر محصولات کشاورزی را شامل می شوند. کشاورزی و باغداری در روستاها خصوصاً روستای شکاریزی، نه تنها یک فعالیت اقتصادی بلکه جزء میراث فرهنگی و سنت های جامعه محلی نیز بوده و به نگهداری از این میراث ها کمک می کند. این فعالیت های کشاورزی و باغداری مواد اولیه مورد نیاز برخی صنایع منطقه را تأمین کرده و سایر بخش های اقتصادی را نیز تحت تأثیر خود قرار می دهند. به طور کلی، کشاورزی و باغداری در روستای ما به عنوان محور اصلی زندگی اقتصادی و اجتماعی شناخته می شوند و نقش مهمی در تداوم و پایداری جامعه روستا ایفاء می کنند.

می توان گفت زندگی روزمره روستائیان وابسته به دامداری و کشاورزی بود و دامهای زیادی با رمه های بزرگ در روستا نقش بزرگی در زندگی مردم داشتند و از شیر و گوشت و پشم آنها استفاده می کردند. هر کسی اگر گوسفند و گاو زیاد داشت جزو ثروتمند ترین افراد روستا به شمار می رفتند و بعضی از خانواده ها تا دویست رأس گوسفند داشته و بهترین زندگی را از آن خود

می کردند. اگر کسی گوسفند و بُز نداشت جزو فقرا محسوب می شدند. گاو نیز در زندگی روستائیان نقش بزرگی را ایفاء می کرد چنانکه اگر کسی شش رأس گاو داشت می توانست کوتان راه اندازی کند و جزو خانواده های مرفه به شمار می رفت. حتی ممکن بود دو خانواده اشتراکی با داشتن شش گاو یک کوتان (گاو آهن) دایر بکنند و یا تکی یک خیش (جوت) دایر می کرد. که می گفتند دیگر فقر را پشت سر گذاشته اند. بنا براین گاو و گوسفند در زندگی روستا و خانواده ها نقش بزرگی داشتند، ولی امروزه دیگر داشتن آنها نمی تواند دلیل بر ثروتمند بودن آنها را ایفاء نماید. زیرا که تراکتور و دیگر وسایل کشاورزی جایگزین گاو و دام شده و سوپر مارکت های مدرن سبب شده دیگر مردم نیاز شان را از نظر لبنیات به راحتی تأمین کنند و می شود گفت که کلاً تغییراتی در سبک زندگی نسبت به گذشته ایجاد شده است.

دامداری می تواند به صورت صنعتی و یا سنتی خانگی انجام شود. ضمناً، دامداری به عنوان یک فعالیت حرفه ای امروزه نیاز به دانش فنی و علمی دارد و برای بهینه سازی عملکرد و تولید بهتر، نیاز به مدیریت مناسب و استفاده از تکنولوژی های پیشرفته است. لازم است در مورد چگونگی پرورش گاو و گوسفند در روستای مورد نظر بیشتر توضیحاتی داده باشم. ابتدا لازم است چگونگی پرورش گوسفند و بُز به اختصار خوانندگان را در جریان بگذارم. در زمانهای قدیم یعنی قبل از رونق تکنیک مردم بیشتر به دام و کشاورزی وابستگی داشتند و بدان سبب گوسفند یکی از درآمدهای بهتر روستا محسوب می شد. برای اینکه هر سال تولید مثل می کرد و به تعدادشان افزوده می گردید. علاوه بر افزایش آنها، مردم می توانستند از پشم و پوست و شیر آنها استفاده نمایند که این گوسفندان به انواعی تقسیم می شدند چنانکه در جریان هستید یک تعداد از گوسفندان بچه به دنیا می آوردند و تعدادی هم نر بودند و نمی زاییدند آنهایی که بچه زا بودند به آنها در اصطلاح محلی «دوغموش» و به گوسفندان نر نیز «قسر» و نیز به بچه های تازه به دنیا آمده گوسفند نیز «قوزی» و بچه های بُزهارا «اوغلاق» می نامیدند. بنابراین، اینها را جدا از هم دیگر به چرا می بردند، چون گوسفندان شیر ده باید به موقع به بچه هایشان شیر می دادند و نیز بقیه شیرشان را زنان می دوشیدند و این تعیین موقعیت مشخص می کرد که باید از گوسفندان نر جدا باشند. بدان سبب مردم مجبور بودند که باید برای هر نوع از آنها یک چوپان در نظر بگیرند. معمولاً گوسفندان نر در شب هم بیرون از خانه در آغول ها می ماندند و یا به ییلاق ها می پردند.. ولی گوسفندان شیرده بیشتر اوقات به خانه آورده می شدند و یا در نزدیکی های روستا در سایه درختان می خوابیدند تا صاحبانشان راحت تر بتوانند آنها را بدوشند. این گوسفندان ماده یا به قولی دوغموش معمولاً در اوایل بهار می زاییدند و مدتی را هر روز صبح و عصر باید به بچه هایشان شیر می دادند و بعد از مدتی که برّه ها بزرگ شده و می توانستند بچرند آنها را در نزدیکی های روستا دو نوبت، صبح و عصر می چرانیدند و به موقع به خانه آورده می شدند.

پرورش گاوها: در روستای ما از قدیم گاو نر و ماده بوده و همیشه از آنها به نحو احسن از گاو ماده صرفاً برای استفاده از شیرش پرورش می دادند. بنا براین گاو برای گوشت، تولید شیر و استفاده از پوست برای تولید چرم توسط آنان پرورش داده می شود.

یکی دیگر از محصولات تولید شده از این حیوان کود حیوانی است. هنوز هم مورد استفاده قرار می گیرند. ولی گاو ماده بعد از اینکه شیرش خشک می شد اگر بچه دار نمی شد آن را می فروختند و یا به قصابی می دادند در سالهای سرد زمستان که چندین ماه در خانه پرورش می دیدند در هنگام بهار موقعی که می خواستند آنها را به . ولی گاوهای نر برای بارکشی استفاده در گاوآهن و خیش آنها را پرورش می دادند . در قدیم داشتن گاو نر برای هر خانواده یک نوع غروری داشت که وسیله نان آوری بودند و هر کسی اگر زیاد داشت بهتر می توانست از آنها بهره وری کند. در زمستان هیچ گونه اسفاده ای نداشتند فقط باید به موقع از آنها مواظبت می کردند و روزانه چندین نوبت به آنها آب و علف و یونجه و کاه در آخورشان می ریختند و در سرمای زمستان بیشتر در طویله یا حیاط خانه به آنها آب می دادند. هر روز یکی دونوبت آنها را با وسایل کوچک دستی آنها را می خاراندند. بیرون از خانه ببرند خیلی سخت بود چون مانند گاوهای وحشی اینور و آن ور می دویدند و باید چند نفر یکی دو روز از اینها محافظت می کرد و بعد از آن به حالت نرمال در می آمدند در اصطلاح آن روزی می گفتند «خامنان چخاردلر». امروزه می بینیم که هر کسی اگر کارهای ناشایست انجام دهد می گویند باید مدتی طول بکشد تا به حالت عادی در بیایند. گاوهای نر در بهار برای شخم زدن از آنها استفاده می کردند و اگر هرکسی دوتا گاو می داشت می توانست شخم بزند در اصطلاح به آن «دوگاو» و اگر چهارتا گاو داشت با آن نیز شخم می زد و به آن «چارگاو» می گفتند. ولی اگر کسی شش گاو داشت کوتان دایر می کرد. که هر کسی این امکان را نداشت بعضی وقتها دو خانواده به طور اشتراک با گاو آهن شخم می زدند. از ابتدای صبح تا ظهر از این گاوها در شخم زدن استفاده کرده و بعد از ظهر کار را تعطیل می کردند و نوجوانان تا غروب آنها را در صحرا می چرانیدند و فردا نیز دوباره کار تکرار می شد . این شخم زدن احتمال داشت یک ماه طول بکشد. بعد از اتمام شخم زدن دیگر گاوها نفس آرام می کشیدند تا اواسط تابستان که بعد از درو گندم وجو، دوباره برای حمل آنها در ارايه ها از گاوها نر استفاده می کردند که در این کار باید چهار گاو می داشتند. مدتی هم در این کار از گاوها نر کار می کشیدند. یکی هم در فصل پائیز برای شخم زدن و کاشتن گندم دوباره به وسیله این گاو ها خیش را به کار می انداختند. زیرا که زمین های شخم زده شده در پائیز دوباره بوسیله گاوها نر با خیش گندم هارا می کاشتند. بقیه زمانها باید از آنها مواظبت می کردند دوباره برای کارهای ضروری. ناگفته نماند که در این کارها هیچ موقع از گاو ماده شیرده استفاده نمی کردند.

-کشاورزی روستا: روستای شکاریازی از زمانهای دور به کار کشاورزی مشغول بوده و همیشه در این کار نهایت سختی هارا متحمل شده اند زیرا که مردمان سختکار و زحمتکشی هستند. کشاورزی از قدیم الایام در روستای ما رونق داشته و هنوز هم دوامش دیده می شود. از آنجائیکه روستای ما دیم کارند و از اول بیشترین درآمدشان از راه کشاورزی بوده و با توجه به سخت کاری شان همیشه هم در این کار موفقیت نصیب شان شده است. مردمان روستا بعد از پایان یافتن فصل سرمای زمستان دست به کار می شوند و مقدمه کارهای کشاورزی خود را پایه ریزی می کنند. در اوایل بهار کسانی که دارای باغ هستند در باغ خود را مشغول

می کنند. دیگران در زمین های مزروعی خود به مقدمات آن از قبیل جمع آوری سنگها و کلوخ های آنها خود را مشغول می کنند تا اینکه زمین برای شخم زدن آماده می شود. از آن روز خود را برای شخم زدن خود را آماده می کردند. ابتدا گاو آهن یا خویش خود را چک کرده و برای فردایش خود و گاوهایشان را آماده کرده و به طرف زمین مزروعی می روند و ابتدا به خاطر اینکه گاو ها خام هستند روز اول و دوم کمتر کار می کشند و از روز سوم به بعد کار همیشگی شخم زنی را شروع می کردند. در آن موقع اگر گاو آهن بود شخم زیادی را می توانستند بزنند ولی خیش با دو گاو یا چهار گاو تا حدی به کندی انجام می گرفت و به هر حال مدتی را با این وضعیت می گذراندند. شاید یکی دو هکتار می توانستند شخم بزنند و بعد از اتمام شخم زنی، کارهای دیگر از قبیل درو علف و غیره خود را مشغول می کنند تا کار اصلی کشاورزی که درو گندم و جو بود می رسد حدوداً اواخر خرداد یا اوایل تیر ماه فصل درو می رسد. در زمان های گذشته بعضی از خانواده ها گندم و آردشان که برای پخت نان بود به اتمام می رسید. از روی ناچاری یکی از زمین های گندم را در حالی که هنوز خوب نرسیده بود آنرا درو کرده و آرد می کردند تا در تابستان از آن نان درست کنند و خود و دیگر و کارگران شان استفاده می کردند. به آن در اصطلاح خود «آل خیه» می گفتند و کیفیت این نان ها مرغوب نمی شدند. در این زمان ابتدا در طرف های جنوب روستا که «دوز» می گفتند به خاطر خاک زمین ها زودتر از طرفهای دیم می رسیدند. ابتدا جو ها را درو میکردند چون اگر خشک می شدند درو آنها مشکل می شد. سپس طرفهای حسوکندی که در شرق روستا بود درو می کردند. بعد از اتمام آنها از فردایش با خوشحالی به طرف دیم می روند مدت درو در این قسمت به مراتب وقت زیادی می خواست. بدان سبب بعضی از مردم شبها را نیز در زمین مزرعه می خوابیدند و از صبح زود تا تاریکی شب در حال درو بودند.

علاوه بر کشاورزی و باغداری و دامداری در روستای ما شکرپزی، قالی بافی یکی از فرآیند های دستی و سنتی در تولید فرش و تابلوفرش حائز اهمیت است، در این روستا، قالی بافی به عنوان یکی از اصلی ترین فعالیت های اقتصادی محسوب می شود. چنانکه این فرآیند، از پشم گوسفندان، بُز ها برای بافت فرش، جاجیم و خورجین و تابلوفرش استفاده می شود.

قالی بافی در روستا به صورت دستی و با استفاده از دستگاه های سنتی صورت می گیرد. در این فرآیند، پشم ابتدا شسته و پاکسازی می شود و سپس به تمام شبکه هایی که برای بافت قالی در دسترس هستند، آویزان می گردد. سپس نخ هایی که برای بافت قالی مورد نیاز هستند، با استفاده از دستگاه های سنتی به صورت هندسی تنیده می شوند. سپس نخ های تنیده شده به عنوان ریشه قالی با استفاده از دستگاهی به نام «ریشه کش» به هم چسبانده می شوند، و در نهایت فرش یا تابلوفرش تولید می شود. قالی بافی در روستای ما به عنوان یک هنر سنتی و زیبا شناخته می شود و تلاش برای حفظ آن و ارتقای کیفیت تولیدات، همواره در دستور کار قرار دارد. به عنوان یکی از محصولات اصلی روستا، منبع درآمد و کسب و کار برای مردمان این روستا نیز محسوب می شود. باید یادآوری کنم که این روستا مردمان مهمان نواز و یارو و یاور همدیگر هستند. یکی از ارزشهای اصیل

فرهنگی و اخلاقی در بسیاری از فرهنگ های جهان، مهمان نوازی و مهربانی در برخورد با مهمانان است. این رفتار نشان دهنده احترام به مهمان و تمایل به فراهم کردن شرایط مطلوبی برای او است. به همین دلیل، بسیاری از مردم در قدردانی از مهمانی کردن دوستان و خانواده شان هستند و به دنبال ایجاد روابط نزدیکتر با آنان می باشند. به طور کلی رفتار مهمان نوازانه و یارانه می تواند رابطه هارا بهبود بخشد و باعث تقویت ارتباطات بین افراد گردد.

شکریازی یک روستایی است که از توابع شهرستان سلماس و در شمال شرقی شهرستان تابعه واقع شده است. آب و هوای آن به طور عام به دلیل موقعیت جغرافیایی و ارتفاع از سطح دریا تا حدودی به صورت کوهستانی و باران و برف کمتری دارد. در ادامه آب و هوای معمولی در روستا تابع آب و هوای اطراف است و به تفصیل توصیف می شود:

تابستان: تابستان در روستا معمولاً گرم و خشن و خشک است. دما معمولاً در ماه های تابستان به بیش از ۳۲ درجه سانتیگراد می رسد. چون کارهای تابستان بیشتر در صحرا انجام می گیرد بسیار سخت و ناراحت کننده می شود.

پائیز: باران های فصلی در روستا مانند سایر مناطق اطراف در فصل پاییز و زمستان به وقوع می پیوندد. در سایر فصول باران نسبتاً کم دارد به استثناء اینکه بعضی از سالها در بهار زیاد بارندگی دارد.

زمستان: زمستانها در روستا سرد و برفی می باشد به استثناء سالهای اخیر که بارندگی برف اندک شده. در این فصل، به سرمای چند درجه زیر صفر در می آید. بعضی زمانها برف در منطقه فراگیر است. در قدیم اکثراً بارش برف در زمستان همراه با طوفان های تند می شد طوری که از رفتن به همسایه باید جسارت داشتی تا بتوانی چند متر از خانه دور بشوی.

بهار: در این فصل معمولاً بادهای فصلی و باران زا دیده می شود و اغلب بارندگی باران می بود و بهارش زیباتر می شود و صحراییش دارای سرسبز و انواع گل های وحشی در صحرا دیده می شود. بادهای شدید در بهار و تابستان در روستا می وزد و بعضاً می توانند باعث ایجاد گرد و غبار شوند. لازم به ذکر است که شرایط آب و هوایی ممکن است در طول سال متغیر باشد و ممکن است دقیقاً برای هر سال تفاوت هایی داشته باشد.

ناگفته نباشد که در زمستان بعضی اوقات برف با کولاک و طوفان همراه می باشد و طوری کولاک می شود که پستی های جاده و اطراف را پر کرده و باعث راه بندان می شود.

باز لازم به ذکر است که باغ های روستا با زیبایی های طبیعی خیره کننده ای در اطراف خود جلب توجه می کنند. در این باغ ها، تنوع رنگ ها و عطرها گل ها، ارتباط نزدیک با فصول و تغییرات زمانی را به نمایش می گذارند. درختان با صفا و بلند با برگ های سر سبز تازه در تابستان خود نمایی می کنند. گل های نارنجی و قرمز در پاییز، مناظر زیبا و جذابی را رقم می زنند. صدای بارانهای فصلی به آرامش انسان می افزایند و زمین های کشاورزی با محصولات متنوع خود، زندگی را رنگی تر می کنند. این مکان های زیبا به طرز خاص، زیبایی طبیعت را در کنار دیگر زیبایی ها به تصویر می کشند. این روستا یک گوهر زیبا در

آغوش طبیعت دارد. با زمین های سرسبز واقع در دورترین نقاط و زمین های حاصلخیز در دامنه تپه ها و صحرای زیبا با فضای باز و آرامش بیش از حد هر بیننده را در بهار مجذوب خود می نماید. راه آهنی که از کنار روستا می گذرد، به مسافران نه تنها دسترسی راحت به این منطقه را می دهد، بلکه طعم و جذابیت خاصی به منظره های اطراف اضافه می کند. هر بار که قطار از کنار روستا عبور می کند، زمینهای سبز در بهار و دسته های درختان در اطراف تصویری شگفت انگیز را ایجاد می کنند. علاوه بر زیبایی طبیعت، فرهنگ یک روستا تأثیرگذار بر تاریخ و جامعه آن دارد. آداب و رسوم و سنن محلی و ارتباطات اجتماعی، بخشی از فرهنگ روستاست. هم چنین، هنر های محلی، غذاها، موسیقی و داستانهای مرتبط با جغرافیای منطقه نیز نمایانگر این فرهنگ مردم می باشد. چشم انداز های روستا معمولاً از طبیعت زیبا و آرامش بخش بهره می برند. مناظر دیدنی دشت ها و صحرایا و درختان زیبا، زمین های کشاورزی و آب های خوب به تنوع زیبایی روستا می افزاید. روستای ما ممکن است چشم انداز خاص و منحصر به فرد خود را داشته باشد که از ویژگی های جذابی است که زندگی زیبای روستا را بیان می کند

روستای نامبرده به اعیاد مذهبی فطر و قربان بسیار ارزش قائل هستند و هر سال با مراسم مخصوص به احرا در می آورند. در روز عید فطر سفره های مجللی در وسط اتاق چهن می کنند و انواع میوه جات و شیرینیجات در وسط آن قرار می دهند. مردم در دیدار همدیگر با لباسهای تازه و تمیز به خانه همدیگر می روند و عید را تبریک و قبول اطاعات می گویند. علاوه بر شیرینی ها و میوهجات، انواع غذاهای لذیذ از جمله برنج، آش، زردآلو و دلمه درست می کنند. خلاصه در این عید انواع خوردنی ها و نوشیدنی ها سر سفره آماده می شود. علاوه بر عید فطر در عید قربان نیز عادات بخصوصی دارند که در این عید هر هفت خانوار انهایی که قدرت مالی دارند یک گاو قربانی می کنند و بیشتر گوشت آن را به فقرا می دهند و در این عید بدون استثناء همه خانوار ها کوفته درست می کنند.

در این عید یک هفته قبل، هر هفت خانواده یک گاو به عنوان قربانی سنتی خریداری می کنند و علاوه بر آن تعدادی هم به تنهایی یک گوسفند را به سنت مذهبی برای روز عید قربان آماده می کنند. اگر کسانی هم قدرت مالی نداشته باشند از قربانی های روستا که تعدادشان بعضی سالها تا ۴۵-۵۰ رأس گاو می رسید برای کلیت روستا به نسبت تقسیم کرده و ارسال می کنند. چنانکه در کتاب قبلی به طور کلی توضیح داده شده هر خانوار فقیر و ثروتمند این روز را کوفته درست می کنند و سنت قدیمی را به جا می آورند. حتی اگر مهمانی از دور در این روستا باشد سهمی هم برایش در نظر می گیرند. باز برای مزید بر اطلاعات مختصراً مراسم این عید را در روستای شکاریازی توضیح می دهم. یک روز قبل از عید به نام روز عرفات شناخته می شود. این روز بیشتر مردم به قبرستان سر اموات خود رفته و فاتحه نثارشان می کنند. در این روز حلوا و خرما و دیگر شیرینیجات را به بچه ها می دهند. شب عید مردها به مسجد رفته و بعد از مراسم عید، ابتدا از تعداد قربان هایی که قرار است فردا ذبح کنند از هر کدام یک نفر به عنوان نماینده جلسه ای را تشکیل داده و تعداد قربانی ها و خانوار روستا را تعیین کرده و لیست می گیرن که

از هر قربانی به چند نفر باید گوشت قربانی بدهند بدون اینکه در نظر بگیرند که چه کسانی سهمیه هستند یعنی این سهم برای همه است چه شرکت کرده باشد و یا نکرده باشد. این لیست هارا به دست نمایندگان داده واز آنها می خواهند که صبح بعد از ذبح باید قبل از سهم خود، آنها را پخش کنند. ابتدا هر هفت شریک در خانه کسی که در انجا ذبح انجام می گیرد صبحانه مرتب صرف می کند و سپس شروع می کنند به ذبح گاو یا هر حیوان دیگر. در این موقع ابتدا طبق گفته اول ان چند خانواده سهمشان را می فرستند و سپس بقیه را به هفت قسمت تقسیم کرده و به خانواده خود می فرستند. تا زنها برای ناهار کوفته درست کنند. از قدیم رسم بر این بوده که در این روز باید تمام خانواده ها کوفته درست بکنند. تمام اعضای حیوان را تقسیم می کنند و پوستش را یا می فروختند و یا برای درست کردن کفش برای هر کدام سهم می دادند. اگر می فروختند معمولاً پولش را به مسجد یا یکی از مستحبان می دادند. در قدیم رسم بر این بود که گاو را قبل از ذبح به چشمانش سرمه می کشیدند و حتی خونش را به پیشانی خود و در زیر درختان می ریختند. بعضی از زنان و مردان عامی در کنار گاو می گفتند خوشا به حالت که قربانی شدی. باید می گفتند خوشا به حالمان که تو را خواهیم خورد. در این عید نیز مردم به همدیگر تبریک می گفتند در ثواب حاجیان باشید. منظور حاجیانی که ان سال در مکه شرک کرده بودند. عقیده داشتند هر کسی که به مکه رفته تمام گناهانش پاک می شود و مانند کودک تازه متولد عاری از گناه می شوند. غافل از اینکه هر گناهی با مکه رفتن پاک نمی شود.

کندیمیز شکرپازی غربی آذربایجان ویلایتینده و سلماس شهری اطرافیندا یئرلشیر. بۇ کند کؤرا سینلی رایونوندا یئرلشیر و گوزل طبیعتی و صفالی هاواسی ایله بۇ بؤلگه نین مشهور توریتیک یئرلریندن بیری حنساب اولونور. شکرپازی کندی قدیم تاریخه مالیکدیر و اهالیسی تورکجه دانیشیر. بۇ کندی بۆتون اهالیسی مؤسلمان و سونیدیر و اونلارین یئرلی مدنیتی مؤختلیف بایرام و مراسیملرده نؤمایش ائتدیریلن خوصوصی عادت و عنعنهلرله رنگین و رنگارنگدیر. شکرپازی کندی یاشیل تپهلری و گنیش دوزنلیکلری ده داخل اولماقلا حنیرت آمیز طبیعت منظره سی ایله تائینیر. تمیز سۇ یو اولان بیر نئجه بۇلاغین اولماسی بۇ کندی دیگر طبیعی جاذبه سیدیر. بۇ سۇ احتیاطلاری طبیعی سۇوارما ایله یاناشی، کند تصروفاتی و ایچمەلی سۇ ایله تامین اولونماغا کؤمک ائدیر. شکرپازی کندی اینکیشافی اساساً اکینچیلیک، حیواندارلیق و باغچیلیق ساحهلرینه اساسلانیر. بۇ کندی ساکینلری بۇغدا، آریا، نؤخود، تروز، مئیوه اکمکه مشغولدورلار. حیواندارلیق دا اینسانلارین گوزرانین تامین ائدیلمه سینده مؤهوم رول اویناییر و بۇ بؤلگه ده سۇد، قاتیق، پننیر و س. کیمی سۇد محصوللاری ایستتحصالی گنیش یاییلمیشدیر. سوزوگندن کنده ال ایشلری بۇ رایونون فرقلی خوصوصیتلریندن بیریدیر. کندی قادی و کیشیلری خالچا، کیلیم و دیگر ال ایشلری تۆخویارق اوز صنعتلرینی نؤمایش ائتدیریرلر. بۇ ال ایشلری یئرلی احتیاجلاری اوده مکن قدیم تاریخی ایله دقتی جلب ائدیر. بۇ کندی داواملی اینکیشافی و اطراف مؤحیطین قورونماسینا دقت یئتیریلمه سی اونون گلجه ک نسیللر اۆچون جلبندجیلیینی قورویوب ساخلاماغا و آرتیرماغا کؤمک ائده بیلر. کنده سفر خوش خاطیرلرله هر بیر زیارتچییه اؤنودولماز قوناقچورولیک و یئرلی مدنیت تجربەسی گئیریر. بۇ مقاله نی یازماق اۆچون لازیمی معلوماتلار یئرلی منبعلردن و غربی آذربایجان ویلایتین سلماس یاخینلیغینداکی کؤره سینلی اراضی سینده آپاریلان آراشدیرمالاردان تۇپلانمیش دیر .

بیرینجیسی، هر شئیدن اول کۆره سینلینین و کند جماعتینین ترجمه‌ی-حالی حاقیندا بیر نچه گرکلی معلوماتی دیرلی اؤخوجولارا چاتدیرماغی ضروری حساب ائدیرم. ایلک اؤنجه بیللمه‌لی‌بیک کی، بۇ آدین کۆره سینلی خالق اؤچون چکیللمه‌سی هارادان گلیر و هانسی سؤزلردندیر. تاسوف کی، بۇ مسئلهده هئچ بیر کیتابدا، سندده توتارلی دلیل یؤخودر. اما بۇ مسئلهده مؤختلیف روایتلر گتیریلیب، هئچ بیر ۱۰۰٪ تصدیقینی تاپماین. کۆره سینلی سؤزو بیر خالق اولراق تاریخی سندلرده قطعی شکیده موشاهیده اولونمیشدیر. لاکین ۱۷۳۱-جی ایلدهکی یازیلاردا خۇی شهرینین حاکیمی اولان دؤنبلی طایفاسینین باشچیسی شاهباز خان عبدالله پاشا عثمانیه قارشى مؤدافیه‌چیلریندن بیرى کیمی آدی چکیلن خۇی قلاسیندا کۆره سینلی خالقینین آدینی چکمیشدیر.

ایندیک بۇ آداملارین آدینین قید اولوندوغو عۆمومی سنتده راست گلیمیشیک. حاقیندا دانیشاجیمیز سندلری هر کس اؤز دؤورونده سندسیر ایستیفاده ائدیپ. بۇ یازیدا راستلاشدیغیمیز سندلری دیرلی اؤخوجولاریمیزا تقدیم ائتمه‌یه چالیشیریق. (کۆر حسنیلر: دنيس بۇ خالقین گوزونو حسن آدلی کۆر بیر باشچیلاری اولوب، سؤنرا کۆره سینلی. باشقا بیر ائتمال سند ایسه صفوی‌لرین حسن آدلی بۇ طایفانین باشچیلاریندان بیرینین گوزونو کۆر ائدیپ کۆر حسنلی آدلاندیریپلار. کۆر حسن نسلی دئمکدیر. طبیعی کی، بۇ حال عباسینین «عالم آرای» کیتابینین ۸۱۹-جۇ صحیفه‌سینده گورونور. بۇ کیتابدا اؤرمیا قلاسیندا موصطافا پاشا، احمد پاشا، کۆر حسن و قاضی خانین ایکی کۆرد اؤغلو، یعنی شاه قولى و خلیل بی و اوللارین عمیسی اؤغلو محمد خان قوچو و اؤغلی اؤرمینین آدلاری چکیلیر. آدی چکیلن پئرسوناژلار اؤرمیه قلاسیندا حسن خان افشار و اوللاری ایله اعتراض ائتمیشدیلر. کۆر حسنلی باشقا بیر تورک طایفاسینین آدیدر. اوللار افشار تورکلریندیر و بۇ طایفا شیعه مذهب و شاهسؤندور. اوللار سؤهروردی بؤلگه‌سینده زنجان ویلایتینده یاشاییرلار.

قارا حسین و کۆر حسین: بۇ آدلار صفویلر دؤورونده قارا حسینلی و یا کۆر حسینلی آدلاندیریلان، سؤنرالار قارا حسینلی و یا کۆر حسینلی آدلاندیریلان جه‌لالینین بویوکلریندن گوتورولموش ان مشهور آدلاردیر. بۇ ایکی کۆماندونون آدی ۷۷۰-جی صحیفه‌ده عالم آرای عباسیده قید ائدلمیشدیر. طبیعی کی، صفویلر دؤوروندن بۇ آدی اؤزلری ایله داشیییرلار. کۆر سؤننی: کۆردلر آراسیندا بویوک اولدوقلارینا کۆره کۆر سؤننی سؤننی اؤغوللاری دئمکدیر کی، بۇ دا حقیقتدن اؤزاق دئییل. نظره آلساق کی، تاسوفلر اولسون کی، کندین یارانماسینین سندلشدیریلیمیش تاریخی یؤخودر و دئییلن و یا یازیلانلارین هامیسی شیفاهی و شیفاهی دئییلیر، دؤغرو اولماق و یا یانلیش یازیلماق ائتمالی وار. اؤمید ائدیرم کی، داها یاخشى سندینیز وارسا، منه بۇل گؤستره و اونون دؤزدلیمه‌سینه توهفه وئره بیلر سینیز. دؤکتور توحید ملکزاده‌نین کیتابینا کۆره (سلماس و غربی آذربایجانین ۱۰ مین ایللیک تاریخی) جلالیلرین آذربایجانا گلیشینین مؤهوم حادیثه‌لریندن بیریده کۆره سینلی قبيله‌سینین سلماسا کۆچمه‌سی و سلماسدا مسکونلاشماسیدیر. کۆره سینلیلر اؤغوزلارین ۲۴ طایفاسیندان بیرى اولان چینی طایفاسیندان ایدی. صفویلر دؤوروندن اول آنادولودا قارا دنیزین جنوبوندا گیرسۇن بؤلگه‌سینده یاشامیش و صوفی تمایوللارینه مالیک اولموشلار. بۇ، عۆثمانلی ایله سولچولار آراسیندا فیکیر آیریلیقلارینا و گرگینلییه سبب اولدو. ویلایتنامه‌نین یازیلارینا کۆره، چینیلر حاجی بئکتاش وه‌لینین ایلک مۆریدلریندن اولوبلار. ۱۲۷۹-جۇ ایله چینیلر کۆتلیو شکیده قارا دنیزین ساحیلینده سینۇیا گتیریلیر. بؤلگه‌نین تاریخینده چینینین طرابوزان امرلری ایله قارشیدورماسیندان بحث ائدییر. اؤزون حسنین دؤورونده چینیلر باشی ایل-الدى بی اولان آغ قویونلو هؤکومتینه قوشولولار. صفویلر دؤورونده چینیلر صفوی ایمپریاسینین تابعلییینده ایدیلر. عۆثمانلی ایمپریاسیندا یاشایان چینیلرین

قالان حیصه‌سی مؤختلیف عثمانلی-صفوی مۇحاریبلرینده صفوی لرین خیرینه مۇحاریبه‌یه گیردی. مثلاً، مۇحاریبلرین بیرینده ارچیش قالاسینی صفویلره وئردیلر (بعضی یئرلرده ایسه قالانین تسلیم اۇلماسینی کۆردلره باغلاییرلار). ۱۵۶۸-جی ایلده (۱۵۶۸) عثمانلی سۇلتانین امری ایله تۆرکیمنین وان شهرینین بۆتون چینی‌لری آذربایجانلا هم‌سرحد بۆلگه‌دن قۇوولموشلار. وندا عثمانلیلارین طۇلمونه باخمایاراق، چینی‌لرین تأثیری آزالمادی، بئله‌کی، ۱۵۴۸-جی ایلده (۱۵۴۸) سۇلتان سۇلیمان صالحن دؤورونده وان حاکیمی چینی تۆرکلریندن ایدی. ماراقلیدیر کی، عینی زاماندا اۇرمیا حۇکمدری سۇلیمان چلبی‌ده چینی تۆرکلریندن ایدی. او، کۆرد کۆچری‌لری ایله مۇحاریبه‌ده هلاک اۇلوب. چینی‌لر سلماسا گلدیکن سۇنرا عثمانلیلارین (شرقی آنادولو) گیره سۇن بۆلگه‌سیندن گلدی‌کلری اۆچون آذربایجان خالق‌ی آراسیندا گیره سۇنلی و یا کۆره سۇنلی کیمی تانیماغا باشلادیلار. بۇ گۆن سلماسین اۇندان چۇخ کندی کۆره سینلی و یا کۆره سینلیدیر. کۆره سینلی-سلماس خالق‌نین لهجه‌سی آذربایجانلا آنادولو آراسیندادیر. اۇنلارین فۇلکلورو آذربایجانین دیگر خالق‌لاری ایله عینیدیر. یۇخاری‌داکی بندلر فیروز سعیدینین ایستانبۇل لاتین دیلینده یازدیغی «کۆره سینلی ایزینده احمد یئسوی دنن پیر سالتۇکا» کیتابیندا تصدیقلنیر. (مۆعین درجه‌ده سینتیلرین بۇرادان نجه و هارادان گلدی‌یینی بۇرادا ایضاح ائتدیلر و ایندی بیز خالق‌یمیزا قاییدیریق، نجه، هارادا و نه واخت گلدی‌کلرینه کۆره تشکۆر اندیریک. «فیروز سعیدینی باشقا شاهید کیمی قبول اندیرم» یازیلیمیش کیتابدان (کۆره سینلی ایزینده احمد یئسوی دنن پیر سالتۇکا) متنین ترجمه‌سینی تقدیم اندیریک. مۇذاکیره اۇلوان شکر یازی کندی‌دن، شیفاهی ایفادملره کۆره، صفویلر دؤورونده جه‌لالیلرله بیرلیکده عثمانلی تۇرپاغیندان ایرانا کۆچولر. محمد آدلی شخصین شرفی و شیدایی آدلی داها ایکی قارداشی وار. عثمانلی هۆکومتینین مۇعالیجه سیستمینه اعتیراض اندرکن کۆرؤغو و مۇصطافا بیله بیرلیکده آنکارانین «یاسی ویران» کندی‌ده محمد پاشا قلندر اۇغلونون عۆسیانینا دستهک اۇلدوقلارینی بیان ائتدیلر. دؤیوشده مغلوب اۇلان عثمانلی وزیر کؤیوجی مۇراد پاشا اۇنونلا بیرلیکده صفویلر تۇرپاغینا گلیمیشدی. کۆره سینلی، خوی و سلماس کندلری آراسیندا یاشاماق آیدیندیر. دنیس، گرایلی کۆرؤغو ایله عینی دۆش‌رگه‌ده اۇلدو غونو گۆستیریر. گرایلین ریس‌لریندن بیرى محمد آدلی کاو گندی‌ینده آذربایجان ناظیری طرفیندن اۇنا نظارتچی وظیفه‌سی وئریلدی‌یینی بیلدیریب. بۇ آشیریم تبریز و اورمییه‌دن گلن شرفخان‌دان خویا گنتمک اۆچون شرفخان‌دن کئچمه‌لی اۇلدوغو یئر ایدی. اۇنو دا قید اندیم کی، باشقا یئرده تام ایضاح اۇلونوب. کندی‌ن آدی عثمانلی تۇرپاغیندان گلنلره باغلیدیر. ایلکین آدی (شکریا اک یاز) اۇلان، اگر چینی‌لره باغلیدیرسا، سۇنرالار بۇلو سانجاغی کندلریندن اۇلان «چاکراز» کندی آدلاندیریلما ائحتیمالی داها یۆکسکدیر. ایرانین ایالتلریندن بیرى اۇلان غربی آذربایجاندا عثمانلی حۇکمرانلیغیندان بۇ بۆلگه‌یه کۆچن جه‌لالیلر آغساقالارینین یاشادیقلاری یئرلرده اۆز بۆلگه‌لری اۆچون ایرانداکی عینی یئرلرین آدینی سئچمیشلر. جلالیلار گلنده کۆرؤغلونون اجتماعی دیرینه کۆره اۇنون یاشادیغی یئر چلی بئلل، اۇنون شرفینه یاشادیغی یئرده کۆرؤغو قالاسی آدلاندیریلیمیشدیر. "چاکراز" سۆزو زامانلا شاکراز اۇلاراق دییشدیریلدی. هۆکومتده بۇ آدا اویغون گلیمک اۆچون آدی شاکریاز (شکر و یاز) اۇلاراق دییشدیریلدی. عثمانلیدا ۱۵۳۰-جۇ ایلده بۇلو سانجاغی کندی اۇلوس دۆلتینه عائید اۇلان چاکراز آدلانیر. . گر ده شهریندی بۇلو سانجاغی‌داکی کۆرؤغلونون حیاتی عثمانلی هۆکومتینین آرشیولرینده معلۇمدور. گرای یا گرای جه‌لالیلرله بیرلیکده گلدی. دنیلنلره کۆره، او، کۆره سینلینین (گرای آغا) شکر یازی نسلینین بؤیۆدور. عینی قبیله‌دن اۇلان اۆچ قارداش عثمانیدن ایرانا کۆچولر، اۇنلارین آدی شیدایی، شرفی و گرای و یا گرامی دیر.

گراوی کۆره سینلی یاخینلیغینداکی بیر اراضیه گلدی و اؤنون اۆچ اؤغلو وار: محمد، احمد و علی. محمدینده، خداوندی و علی (علی) آدلی ایکی اؤغلو وار ایدی و علی و یا عالی جاوادی قبیله‌سینین بؤیوکودور. دئییلدی کی، اۆچ قارداش وار ایدی: محمد-احمد و علی. اؤ واختکی تۆرکیه هؤکومتینه قارشلی اؤلدوقلاری اۆچون "نۆردوز" تۆرکیه‌دن بؤرا کۆچ انتدیلر. احمد آغانین چیچک کندینه گئتدیینی و اؤنون سؤیوند اؤ کندی شیعهلرینده اؤلدوغونو. علی آغا راهال خوی کندینه گندیپ اؤرادا مسکؤنلاشیپ. اما شکریازی بؤیلارینین باباسی اؤلان محمد آغا مۇللا جئنیپدین کندینه گندیپ اؤرادا مسکؤنلاشدی. اؤنون ایکی اؤغلو وار ایدی: خداوندی و علی (عالی)؛ ایلیک اؤلاراق ملاجنید قارا تپهده یاشامیش، بیر نچه ایلدن سؤنرا محمد آغا سرحد دار (مرزبان) اؤلموش و اؤرادا کاوگندیپدده ایمیش. دؤکتور توحید ملکزاده‌نین (سلماسین اؤن مین ایلیک تاریخی) کیتابیندا دئییلدی کی، سیزه خوصوصی اؤلاراق خاطیرلاتماق ایستردیم کی، «سلماسین قیسا خبرلری: (۱۲ شوال ۱۳۰۹-جؤ ایلدن هیجری ۱۳۱۳-جؤ ایلین رجبینه قدر) ۱۸ زیل-چرشنبه آخسامی گونو خبر. قهده ۱۳۰۹)»-دن خبر دوه و امال کئچیدی اؤلان کاو آشیریمینا(کاو گندیگی)، کاروانلارین اؤرمی و تبریزه گئدن یولونا چاتان کی، دؤلو توفنگلرله پییادا بیر نچه قؤلدور دوه‌نین باشینا حؤجوم ائدیپ. بیر یوکو غنیمت گؤتوروب «دئییلنه گۆره، بؤ دؤورلرده احمد آغا چلبین آدی چاؤوشی نسلینن آغساقالی، اؤ بیر قریب ایسه قریلی نسلینن آغساقالی اؤلوب. محض بؤ وخت بیر گون تۆرکیه‌دن چارناؤد آدلی آداملار گلدیلر و تکباشینا اؤزونو مودافیه ائده بیلمه‌ین علی ایله قارشیلانلار و علی یئنی اتولی اؤلدوغو حالدا اؤنو اؤلدوردولر قارداشین قولاغینا چاتدی کی، چارناؤدلولار قارداشین اؤلدوردو. خداوندی اؤنلارین آرخاسینجا گندیپ و اؤنلاری بیر یئرده تاپیر و چلبیدن جسارت گؤستمه‌سینی خواهیش ائدیر کی، بیز اؤنلاری شهردن چیخاریب قارداشین قیصاصینی آلا بیلک. اؤنلارلا اؤز-اؤزه گلندن سؤنرا سؤروشورلار کی، هاردان گلیرسیز، هارا گندیرسیز؟ و جاواب اؤلاراق دئییلر: تۆرکیه‌دن گلدیک و بیز یئنه بابارزدان (ایران و تۆرکیه‌نین جوغرافی سرحدی) اؤرا قایئدیریق. بیزی اؤلدوردوکلرینی اعتراف ائتدیکدن سؤنرا ائتدیکلرینه گۆره پشمان اؤلمادیلار. قارداشین قاتیللری اؤلدوقلارینا و اؤنلارین سککیز نفر اؤلدوغونا امین اؤلدوقدا. اؤنلار قاراتپدن یئنی تۆرکیه‌یه گئتمک اۆچون قاراتپه اطرافینا گلیرلر و علینن قارداشی طرفیندن اؤلدورولورلر. خداوندی ایله عینی قبیله اؤلان خداوندی، اؤلادلاری آشاغیدکی سیرا ایله‌دیر.

-حسن آغا، همین رحیمیلر نسلی

- شرفخان، شرفخان طایفه سینین بؤیوکو

-قاسمی قبیله‌سینین باشچیسی یوسف

-مهرابی قبیله‌سینین بؤیوکو مهراب

-میرزه آغا، خانلارلا عائله سینین بؤیوکو

-سعیدی قبیله‌سیندن بؤیوکو گول سید

آغساقالی حسن آغا اؤلان شکریازینین ایلیک نسللری رحیمیلر نسلینن آغساقالی حسن آغانین رحیمیلر و هادیفرلردن باشقا بؤتون عائله‌سی و قوھوملاری تۆرکیه‌یه کۆچموش جامال آدلی بیر اؤغلو وار ایدی.

دیگر بیر عائله شرفخاندیر کی، بۇنلارا حاجی عزیز نۇرمحمدی، حاجی عزیز عیسی پۇر، ولی عیسی پۇر، طاهیرین و آتاسی محمد علی شرفخانی، عبداللهن آتاسی احمد علیپۇر و کەرم تەماسی نین آتاسی علی شیرین، گۆل محمد شفیی و بیر نچە عائله ترکیه ده داخلیدیر. باشقا عائله‌لرده تۆرکیه‌ده یاشاییر. عائله‌نین دیگر عۆضوو یوسف آغا ایدی. قاسمی عائله‌سینین ان بویودور. بیرى به‌لۇدا یاشایان فتاحیلرین، رحیمزادلرین، رضایی لرین و آغا بالازاده لر مهربانی ایدی. کندین دیگر طایفاسی ایسه علی نین اولادلاری اولان طایفا حاجی ایسلام جاوادی، رحمت الله و ایسکندر قلندرین عائله‌لریدیر. خودلو طایفاسی وان تۆرکیه‌دن گلن مۆهاجیرلردن بیرى ایدی، سانکی اۆچ قارداش وار ایدی، بیرى بالۇدا، دیگرى ایسه یکی قارداش ایدی، بیرى شۆریکه، دیگرى ایسه حاجی ضیاء الدین، حاجی امین و قلی زاده لر و بهلول رادمدرد عائله‌لرینین داخل اولدوغو شکر یازییه گلدی، بۇنلاردان علاوه تۆرکیه‌ده بیر نچە عائله یاشاییر و تانییر. عظیمی طایفاسی دا بۇ کنده کانئاندان گلیب. بۇرایا مۇللا تاهیر و اونون اولادلاری حاجی محمد و خلیلین بویوک عائله‌سی و اونلارین اۇشاقلاری، همچنین بویوک بیر عائله‌دن اولان یوسف و اونون قارداشلاری و اونلارین اۇشاقلاری داخلیدیر. تقیزاده و علیزاده عائله‌لرینین، سلیمان قاسیمی و محمود قاسیمین داخل اولدوغو هارتون طایفاسی اوزوده خریستیان ایدی، سۇنرالار حاجی افندینین زامانیندا مۇسلمان اولدو و اونون امرینه اساساً، هر عائله‌یه بیر آرسا و دینه گۆره یاشاماغا داوام اندیر. قبیلهلردن باشقا بیرى ده حسین علی و حسن علینین بویوک عائله‌سی اولان اولق سلماس کندیندن اولان و اۇغورلی اورمبیادان اولان بیر قیزلا ائولغلندیر. چاووشیلرده تۆرکیه‌دن گلیمشیدیلر و خداوندینین آتلی لارینداندیر. بۇ معناسیزدیر

ریش سفیدانین دئدیینه گۆره، چاووشیلر خداوندینین آتلیلاری دانی ایدیلر. بۇنلارا علاوه اولراق، اشرفیلرده کناردان گلیمشیدیلر.

شکر یازی کندینین دیگر طایفالاری دا قطور خۇیدان کۆچموش قریبیلریدیر و عائله‌نین آغساقالی قریب نامی، بویوکلی ایسه سید و اونون اۇغوللاری داداش و خان آبدال ماحمۇد، آغا و مۇراد علیدیر. کندین باشقا یئرلردن بۇرا گلن دیگر قبیله‌لری ده باشقا قبیله‌لردن هنج بیر فرقی یۇخدور و نه یاخشى کی، هامیسی بۇ کندین حۇدودلاریندا بویوک بیر عائله کیمی گۆزل حیاتلارینی داوام ائتدیرلر. شکر یازینین عائله‌لری بۇرا بیرباشکا یئرلردن کۆچسەر ده، هنج بیرینین بیر-بیرینه ایستیندائی یۇخدور. هامیسی حۇرمتلی و قارداش، بیر عائله کیمیدیلر، عائله لرله مۇهریبانلیقلا یاشامیشلار، به‌لا و سۇخینتیدا بیر عائله کیمی بیر-بیرلرینه کۆمک ائتمه‌یه تلمیشلر و هنج بیر طایفا باشقاسینا آرخالانمیش و بیر-بیرینین کۆمهی ایله بویوک شکر یازی کندینی میدانا گتیریدیلر. باخمایارق کی، بۇ گۆن، مۇبالیغه اولماسا، کندیلرین یاریدان چۇخو تۆرکیه و ایرانین باشقا یئرلرینده، اۇ جۆمله‌دن سلماس، خۇی، اۇرمییا، تبریز، تهران و دیگر شهرلرده، تۆرکیه‌ده، خۇصوصن وان شهرینده مسکۇنلاشیب. اۇزلرینه گۆستردیکلری حۇرمتله شرفلی حیاتلارینی داوام ائتدیریرلر. آدیچکیلن کند اکینچیلیک، حیواندارلیق و باغچیلیقلا مشغۇلدور و موعیین قدر اۇغورلو اینسانلاردیر.

ایندییه قدر اۇنلارین نجه و هارادان گلدییی بللی ایدی، اما یئنه‌ده اۇنلارین کۆچونون نجه و نه اۆچون ائیدیلدی قیساجا ایضاح ائیله‌جک.

گۆرونور، ۱۳۰۱-جی ایله ایسماعیل آغانین مغلوبیتیندن سونرا ژنرال فیض الله زاهندی طرفیندن سید حسن سلماسی واسیطهسیله سونلورین باشچیلارینا دئییلیب سیلاحلارینی یئر قویوب ھۆکومتہ تسلیم اولماق و ھۆکومتہ تابع اولماق اوچون مکتوب یازیب. بۇ زامان، تخمینا، ۱۳۰۱-جی ایل آوقوستون ۲۵-ای و ۲۶-دا ھۆکومت قوشونلاری سیلابا، اورادان ترکیه سینیرینه حرکت ائتدی و کۆره سینئیلیرین ھۆکومتین تسلیم اولماق دعوتینی قبول ائتمه‌دی و عوثمانلیا دؤغرو ایرلیمه‌سی محض بۇرادان خبر وئریلدی. اورادا ھۆکومتین قوولری سینئیلیرلری تعقیب ائتدی و اورادان غربه دؤغرو بیر یول و اورادان دا کندين دره‌سی بۇیونجا شرقدن غربه اوزانان چای واریدی و اورادا بیر نچہ آدم چوخ یوکسک بیر زیروده قالا تیکدی. گئری چکیلکی قورودولار. محض بۇ زامان اۇ بۆلگه‌نین کۆره سینلی عالیم‌لریندن اولان محمد قاسیم افندی، محمد صادیق و محمد پارسا و یۆز اللیه یاخین کیشی، قادین و اوشاقلار اسیر دؤشولر. محمد قاسیم افندی احتیراملا قارشیلانیر، سونرا اسارتدن آزاد ائدیله‌ر. اوندان خواهیش ائتدی کی، تبعه‌لرینه و شاگیردلرینه زمانه‌ت وئریب ایرانا قايتارسین. دیگرلرینه ایسه هر بیرینه بئش قرن وئرله‌جک و بۇراخیلاجاق. اولار محمد قاسیم افندینین عملیاتینین گيرووو اولماق اوچون یالئیز محمد صادیق و محمد پارسائی اوزلری ایله خوی شهرینه آپاریلار. ھۆکومت قوولری ۲۸-ده بۆرج اسده کاشکول کئچیدینده قوولرینی دایاندیریب و ۲۸-ای سحر ساعاتلاریندا یزدی کانا دؤغرو حرکت ائده‌جک. ایستر آذربایجاندا، ایسترسه‌ده تۆرکیه‌ده سونلیر یوکسک باشلی حیاتلارینی داوام ائتدیریرلر. طبیعی کی، تۆرکیه‌یه کۆچ ائدن شکریازی و دیگر سونلی قبیله‌لرینین اهاالیسی بیر مۇدت صولج شرایطیندن سونرا ایرانا قایدیب اولکی بۆلگه‌لرینده نۇرمال حیات طرزی سؤرورلر. اما اۇنلارین بعضیلری همیشه‌لیک تۆرکیه‌ده قالدی و اۇ زامان عوثمانلی ھۆکومتی اۇنلارا دستک اولدو، اۇنلارا تۇرپاق و دیگر مۆلکلر وئردی. تۆرکیه‌ده، خوصوصاده وان شهرینده قالان اینسانلار بیر نچہ ایل اوله قدر ساغ ایدیله‌ر. اما بۇ گۆن ایراندان ترکیایا مۆهاجیرت ائدنلرین هئچ بیرى ساغ قالماییب. اما اۇنلارین نسل تۆرکیه‌ده یاشاییر. اۇنلارین آتالارینین بۆلگه‌سی اولان ایرانلا علاقه‌سی هله‌ده کسيلمه‌ییب.

آنکارادا، ایستانبۇلدا و تۆرکیه‌نین آنتالیا، ایزمیر، آدانا و س. شهرلرینده باشلاری اۇجا اولوب، کۆکو، شکریازی کندى ایله علاقه‌نى کسمه‌ییلر.

بۇ کند ایرانین شمال-غربینده غربی آذربایجان اۇستانیندا سلماس شهرینین تابعلی ییندکی کندلردن اۇ، اولکهنین پایتختاتیندان (تهران) تقریباً ۸۰۰ کیلومتر، ایالتین مرکزی اۇرمیادان ۱۲۰ کیلومتر، اۇنا تابع اولان سلماس شهریندن ایسه ۳۰ کیلومتر مصافه‌ده یئرلشیر. قید ائتدییمیز کیمی، بۇ کند اولکهنین شمال-غربینده یئرلشیر. سرحدلری آشاغیدکی کیمی موعین ائدیله‌ن موعین بیر جۇغرافی اراضیده یئرلشهرک: بیریدیر. شیمالدان شکریازی کندى سید تاجددین و مۇللا جننید کندلرینه بیتیشیکدیر و اۇنلارین هر ایکیسی خوی شهرینین آسئلی کندلریدیر. کندیمیزی کئچدیکدن سونرا شیمالدا قید اولونان کندلره چاتاجاقسینیز. کندیمیز غربدن مافی کاندیدن ۳ کیلومتر آرالیدادیر و اۇنو کئچدیکدن سونرا تخمیناً ۸ کیلومتر مصافه‌ده اولان کانایا چاتاجاقسینیز. شرقدن اوزاقدا اولمایان خاندان، چوبانلو و حیدرآباد کندلرینه. گئنیشله‌ن جنۇبدان چبچک، حمزه کاندی، صدقیان، حبشی، یالقۇز آغاج و سۇلتان احمد کندلرینین تارالاری ایله قۇنشودورلار. جۇغرافی اسویرلره گۆره، سوزوگئند کند انله بیر اراضیده یئرلشیر کی، همین یئرلر کندیمیزین یئرینی خریطه‌ده تصویر ائتمک اوچون ایستیناد نۇقطه‌سی کیمی ایستیفاده اولونا بیلر. سوزوگئند کندین شیمالدان تبریز-مرند یولونون یاخینلیغیندا صۇفیان شهرینین

اوجونا قدر داوام ائدن «بؤيوك يال» آدلى آلچاق داغ سلسلهسى وار. بۇ داغ سلسلهسىنين جنوبوندا كندلرينين كندلرى ايله بيرليكه يئرلى ديلده «گۆنى» آدلانديريلان تسوج، خامنه و شبستر شهرلى يئرلشیر.

كندين جنوب حيصهسىنده ياز مۇوسومونده تاماشاچييا خوصوصى منزره تقديم ائدن گننیش اۇتلاق ساحهسى وار، حتى «قلنج تپه» نين تپهلىرى ده اينسان گوزونده گورونور. بير نچه ايل اوله قدر اؤرميا گولو شرفدن گورونوردو. اما تاسوف كى، ايقليم ديشيشكليگى، جوغرافيا و يانليش سياستلرله آرتيق دوزدان باشقا هنج نه گوره بيلميريك. غرب طرفدن كانيان و مافى كندى تپهلىرى و اوزاق مصافهلر ده ايران و توركيه سرحددينده گوزل منزرهلى داغلار و يوكسك زيروملر اكثر حاللاردا قارلا گورونور. معلوم اولدوغو كيمي، بۇ كند كۆره سينلى رايونوندا يئرلشیر.

آديچكيلن كنده زنگين تصروفات و حيواندارلىق تصروفاتلارى واردير كى، بۇ دا رايوندا كند تصروفاتى و معيشت محصوللارينين ايستتحصالى مركزى كيمي تانينير. باغچىلىق دا بۇ كندين اهالييسينين موهوم فعاليت ساحهلىرىندن بيريدير كى، رايونون ايقليم و تورپاق شرايطينه اويغون اولراق آشاغيداكى محصوللار ايستتحصال ائدير: اوزوم، بادام، آما، آرمۇد، اريك، گاولى، سنجيد و شاه توت ايستتحصال اولونور. همچنين بۇ كنده اكينچىليك بۇغدا، آريا و نخود ايستتحصالى ايله اينكيشاف و ترقى ائتمكه داوام ائدير. رايونون بۇ كندينين بۇغدالارى كيفيتينه گوره بيرينجى و بيرينجى سورتدور. هميشه باشقا رايونلاردان گلن بۇغدادان باها ساتيلير.

حيواندارلىق بۇ كندين اهالييسينين قديم زامانلاردان برى ساكيلنلرين مشغول اولدوغو موهوم و قديم فعاليتلريندن بيريدير. بۇ تصروفاتلاردا سؤد، ات، يۇن، يۇمورتا كيمي محصوللار ايستتحصال ائدن اينك، اوكوز، قويون، كنجى، تويوق، خروس يئتيشديريلير. اونا گوره ده بۇ كندين اهالييسينين ارزاقلا تامين اولونماسيندا حيواندارلىق موهوم رول اويناير.

عموميتله، كنديميز حيواندارلىق، اكينچىليك و باغچىلىق فعاليتى ايله رايوندا اكينچىليك و حيواندارلىق محصوللارى ايستتحصالى مركزى كيمي تانينير. بۇ كندين جماعتى بۇ ساحهلىرين اينكيشافيندا و اينكيشافيندا اوز زحمتلىرى ايله ان ياخشى نتيجهلر الده ائتميشلر و بۇ كندين قورو بۇغداسينين كيفيتى قديم زامانلاردان دقتلاييقدير و دنديبيميز كيمي ان يوكسك قيمته ساتيلير. بۇغدا ساحهسىنده. بۇ كنده باغچىلىق مدنيتى و عنعنهسى كندىلرين اساس و كؤنه مشغوليتى حىساب اولونور. بۇنونلا باغلى مدنيت و عنعنلر ايللر عرضينده اينكيشاف ائتميشدير كنده باغچىلىق اينسانلارين باغلارين اكينچىليك تورپاقلاريندا مئيوه، تروز، درمان بيتكيلرى، گوللر و س. كيمي محصوللار بئجربىيى ايقصادى فعاليتدير. باغچىلىق ارزاق و غير-ارزاق محصوللارينين ايستتحصالى ايله اينسانلارين ريفاهينا و راحتليغينا تحفه وئرمكله ياناشى، اولكه ايقتصادياتيندا موهوم رول اويناير. دؤنيانين بير چوخ يئرلرينده كندىلر كند اهالييسينين و فئرمئرلرين اساس گلير منبعى حىساب اولونورلار. ياشىللىق و طبيعى مكانلارين موجدولوغو ايله ياناشى، كند جماعتينين ساده و دينج مدنيتى بعضى اينسانلارين شهرين سس-كويوندن قاقماق اوچون الوريشلى اولماسى سببيندن كنديميزده حيات دينج و ساده حياتا مالىكدير.

كنديميزين اوزوم، بادام، اريك، شاه توت و ديگر مۇختليف مئيوه باغلارى وار. يۇخارىدا دا خاطيرلاتديق. مئيوه مۇوسومونده چوخ گوزل اولان بۇ باغلار اينسانلارين ايستيراحت و ايستيراحت يئرى كيمي ايستيراحت و توريزم اوچون ايستيفاده اولونور. بۇ كندين باغلارنى اوللر جماعت طرفيندن قاضيلا سۇ كاناللارنى هر ايل برپا اولونوردو و بۇ قويولار

کیچیک کاناللاری اۆلن، اۆز دیلرینده همین گۆلمچلر آدلاندیریلان حووزا بنزر حووزا تۆکولوردو. بۇ گۆللارین هر بیرینین بیر سیرا آبۇنهلری اۆلن و پایلارینا اویغون اولاراق، ساعاتلارین ساینما گۆره ایستیفاده ائدن "گۆل". بۇ گۆلردن ان بویویو "قاضیالی گۆلی" کیمی تانییردی. ۱۳ گۆنه بۆلوندو و بۇ اۆن اۆچ گۆنده بعضیلرینین ۲۴ ساعات و یا داها آز واختی وار ایدی. اۆدور کی، کیمین ۲۴ ساعات پایت اۆلسا، بیر گۆل، ۱۲ ساعات پایت اۆلسا، یاریم گۆل، ۶ ساعات پایت اۆلسا، بیر سینه دئیردیلر. موعیین اۆلوموش و اختدا باغلانیردی و اۆنلارین ساعتی بیتیمیش بیتیرمک لازیم ایدی کی، اۆ بیریده اۆز پایینی آلسین. بۇندان علاوه، قاپان گۆلی، چرخه گۆلی و دئره باخچا گۆلی (گۆل سیدلر اۆچون نظرده تۆتولموشدور) کیمی دیگر گۆلر گۆزه گۆرونوردی، هر بیرینین موعیین سایدا آبۇنهچیسى وار ایدی. کندین شرقینده ایدنلی گۆلی، حسۇکندی گۆلی، وچرنی، ائلهجهده شیمالیندا قزالان و بیر نچه کیچیک کندین هر بیرینده آز و یا چۆخ سۇ وار ایدی و اۆنلر اۆز سۇبو ایله باغلاری سۇواریدیلر. یاز، یای و پاییز فصیللری. یاغیشدان بعضا قۇرویان باشقا آخار سۇلار دا وار ایدی. یاغیشلی ایللرده چۆخلو سۇ وار ایدی. آما درین قۇیولارین مۆمکونلویو یارانیدقدان سۇنرا قید اۆلوان سۇلاردان علاوه بۇ قۇیولارین اطرافیندا بیر نچه درین قۇیو قاضیلیمیش، گۆزل باغلار سالیتمیش، بۇ دا کندین ایقتیصادیاتینی، اینسانلارین ریفاهینی خیلی یۆکسلیتمیشدیر .

سۆز وگگدن کندین شیمالدان تبریز-مردن بۆلونون یاخینلیغیندا صۇفییان شهرینین اۆجونا قدر داوام ائدن «بۆیوک یال» آدلی آلقاق داغ سلسلهسى وار. بۇ داغ سلسلهسینین جنۇبوندا کندلرینین کندلری ایله بیرلیکده یئرلی دیلده «گۆنی» آدلاندیریلان تسوج، خامنه و شبستر شهرلری یئرلشیر. کندین جنۇب حیصتهسینده یاز مۇوسومونده تاماشاچنیا خۇصوصی منظره تقدیم ائدن گئنیش اۇتلاق ساحهسى وار، حتی «قلنج تپه»نین تپهلری ده اینسان گۆزوندن گۆرونور. بیر نچه ایل اوله قدر اۆرمیا گۆلو شرقدن گۆرونوردو. آما تاسۇف کی، ایقلم دیشیکلیگی، جۇغرافیایا و یانلیش سیاستلرله آرتیق دۇزدان باشقا هئچ نه گۆره بیلیمیریک. غرب طرفدن کانیا و مافی کاندی تپهلری و اۇزاق مصافهلرده ایران و تۆرکیه سرحدینده گۆزل منظرهلی داغلار و یۆکسک زیروملر اکثر حاللاردا قارلا گۆرونور. رایۇنون کند تصروفاتی و معیشت محسۇللارینین ایستحصالی مرکزی کیمی تانینان شکریازئ کندینین زنگین اۇتلاق ساحهلری وار. باغچیلیق دا بۇ کندین اهالیسینین مۆهم فعالیت ساحهلریندن بیریدیر کی، رایۇنون ایقلم و تۇرپاق شرایطینه اویغون اولاراق محسۇللاریندان بحث ائدیلدی.

عۆمومیتله، کندیمیز حیواندارلیق، اکینچیلیک و باغچیلیق فعالیتی ایله رایۇندا اکینچیلیک و حیواندارلیق محسۇللاری ایستحصالی مرکزی کیمی تانییر. بۇ کندین جماعتی بۇ اراضیلرین اینکیشافیندا و اینکیشافیندا اۆز زحمتی ایله ان یاخشى نتیجهلر الده ائتمیش و بۇ کندین دئم بۇغداسینین کیفیتى قدیم زامانلاردان دقت چکمرک ان یۆکسک قیمتته ساتیلیر. بۇغدا ساحهسینده بۇ کئنده باغچیلیق مدنیتی و عادت-عننهلری کندین اساس و کۆهنه مشغولییتیدیر. اۇنا گۆرمده ایللر عرضینده مدنیت و عننهلر اینکیشاف ائدیپ. باغلار مئیوه مۇوسومونده بۇ باغلار ایستیراحت و تۇریزم اۆچون ایستیفاده اۆلونور.

قید ائدیلدیی کیمی، اینک، سۇغۇر قۇیون، کئچی، انششک، تۆبوق، خۇروز کیمی هر نۆو حیوانلاردان ایستیفاده ائدیلن کندیمیزده باغچیلیقلا یاناشی، حیواندارلیق دا کند تصروفاتی سئکتورونون اساس فعالیت ساحهلریندن بیریدیر. کیمی: سۇد، ات، یۇمورتا مۆشاهیده ائدیلیر. کۆهنه گۆنلرده آتلا و جامیشلار دا یئتیشدیریلیدر، لاکین الوتریشسیز شرایط سببیدن بۇ ایکی اساس حیوان نادیر حالا گلدى. حیواندارلیق کئنده اساس ساحه اۇلماقلا ایقتیصادیاتدا و اهالینین ارزاق طلباتینی تامین ائتمکده مۆهم رۇل اۆیناییر. بعضی اینسانلار اۆچون گلیر و بیزنس منبعی کیمی تانییر. بۇ فعالیتلر حیواندارلیغین

اتینه، سؤدونه، دریسینه و دیگر محصۇللارینا ائحتیاج اولدوغوندان خوصوصی اهمیت کسب ائدی. اؤ دؤرده حیواندارلیق اؤصوللارینا اجتماعی اؤتلاقلاردان ایستیفاده، مال-قارانی خوصوصی یئرلرده ساخلماق و حیواندارلیغین اداره اولونماسیندا یئرلی تجربهلردن ایستیفاده ائتمک داخیل اؤلا بیلردی. بۇ فعالیت گنجلره بۇ ساحهده اؤز معلۇمات و تجربهلرینی نسیلدن-نسله اؤتورمهیه ایمکان وئردی. بۇ حاللارلا یاناشی اینسانلارین جانلی طبیعتله، طبیعتله بیلاواسیطه علاقەسی کؤهنه کندلرده حیواندارلیغین بعضی مۆهوم خوصوصیتلرینی فورمالاشدییریدی. کؤهنه کند حیاتی عادتاً حیوانلار، فصیللار و اطراف طبیعتله سیخ علاقە ایله علاقەلندیریلیدی. کندلرده اینسانلار ارزاق و تصروفات ائحتیاجلارینی اؤدمک اۆچون اساساً حیواندارلیقلا مشغۇل اولوردولار. اؤنلار اکینچیلیک و حیواندارلیق آلتلری حاضیرلاماق اۆچون یئرلی اشیالاردان ایستیفاده ائدییدیلر. یاز-یای آیلاریندا اینسانلار اطرافداکی یایلاقلارلا مال-قارا اؤتارماغا گنتمیش اؤلا بیلردی سۇیوق فصیللرده ایسه تۆولملرده ایستیلیگی ساخلماق اۆچون عنعنەوی ایستیلیک سیستمیلریندن ایستیفاده ائدییدیلر. بۇ حیات عادتاً یئرلی تشکیلاتلاری و حیواندارلیق بیلکیرلرین یئنی نسیللره اؤتورولمهسینده تقلیدچیلرین تجربەسینی طلب ائدییدی. کؤهنه عنعنەوی کندلرده مال-قارا و قۇیونلار عنعنەوی اؤصوللارلا، مال-قارا و قۇیونلار چۆخ و اخت عنعنەوی تۆولملرده ساخلانیلیدی. بۇ تۆولملر عادتاً یئرلی ماتریاللاردان حاضیرلانیر و حیوانلاری هاوادلان و یاغیش و قار کیمی دیگر طبیعی عاملیلردن قۇروماق اۆچون تجهیز ائدییدیدی. ایستی مۆوسومده اینک و قۇیونلار طبیعی یئمله قیدالانماق اۆچون یئرلی اؤتلاقلارلا کۆچورولوردو. سۇیوق فصیللرده بۇ حیوانلار تۆولملرده قالیب یئرلی شرایطه حاضیرلانمیش اؤت، آریا، بۇنجا و دیگر یئمیلردن اساس یئم کیمی ایستیفاده ائدییدیلر.

عنعنەوی حیواندارلیغا قۇللوق حیوانلارین ائحتیاجلارینا دقت یئتیرمک، اؤنلارین ساغلاملیغینین قایغیسینا قالماق و حیواندارلیق خستەلیکلریندن و پربۇلنملریندن قاچماق اۆچون یئرلی تئخنیکادان ایستیفاده ائتمکدن عیبارت ایدی. بۇ، نسیلدن-نسله کئچەن ایرسی حیات طرزیدیر. کؤهنه کندلرده حیواندارلیق عادتاً آدی چکیلن کئنده اهلینین و اؤنون ساکینلرینین اساس فعالیت ساحهلریندن بیرى اولوب. بۇ فعالیتدن تئز-تئز قیدا ایله تامین ائتمک، سؤد محصۇللاری ایستئحصال ائتمک و بۆلگەنین طبیعی ائحتیاجلاریندان ایستیفاده ائتمک اۆچون ایستیفاده اولونور. بۇ اراضیلرده حیواندارلیق جمعیتین ایقتیصادیاتینا و مدنیتینه مۆهوم تأثیر گۆستره بیلر و بۇ اراضیلرده اطراف مۇحیطین و حیات تارازلیغینین قۇروناماسینا کۆمک ائده بیلر. کند ایجمالارینین اینکیشافیندا حیواندارلیقلا یاناشی، اکینچیلیک و باغچیلیق دا مۆهوم رۇل اؤینامیشدیر. کؤهنه کندلرده اکینچیلیک و باغچیلیغین رۇلو چۆخ بۆیوکدور و کند جماعتینین اساس گلیر منبعی و ارزاق تأمیناتی کیمی تائینیر. بۇ فعالیتلر کندیلرین ایقتصادی و سۇسیال مۆبادیلەسینده مۆهوم رۇل اؤینامیشدیر. کندلرده بۇ ایشلرین اهمیتی سئراسیندا آشاغیداکیلاری قید ائتمک اولار: ارزاق تأمیناتی، مشغۇللوق، ایقتصادی اینکیشاف، خاممال تأمیناتی. اکینچیلیک و باغچیلیق کند جماعتینین اساس قیدا منبعی کیمی چئیش اندیر و کندلیرین گۆندەلیک حیاتینین چۆخ حیصەسی محصۇل و باغلارین ایستئحصالینا اساسلانیر. اؤنلاردان علاوه، کند تصروفاتی و باغچیلیق اساس صنایع ساحەسی کیمی کند اهلایسی اۆچون چۆخلو مشغۇللوق تامین ائدیر و کند یئرلرینین ایقتصادی و سۇسیال تارازلیغینا کۆمک ائدیر. کند تصروفاتی و باغچیلیق محصۇللارینین ایستئحصالی کندلرده ایقتصادی اینکیشاف سبب اولور. بۇ فعالیتلر همده ایخراج گلیر منبعی کیمی خیدمت ائده بیلر. بۇنلارلا حیواندارلیقدان ایریبۇینوزلو مال-قارا، قۇیون و کئچیلر، کند تصروفاتیندان ایسه بۇغدا، آریا، نۆخود و دیگر کند تصروفاتی محصۇللاری داخیلیدیر. کندلرده، خوصوصاً ده شکر یازی کئندینده اکینچیلیک و باغچیلیق تکجه ایقتصادی فعالیت دئییل، همده یئرلی ایجماعنین معدنی ایرسینین و

عادت-عنعنلرینین بیر حیصّه‌سیدیر و بۇ ایرسین قۇرونوب ساخلانماسینا کؤمک اندیر. بۇ کند تصرؤفاتى و باغچىلىق فعاليتلىرى بؤلگهدكى بعضى صنايع ساحلرینین احتیاج دۇیدوغو خاممالا تامین اندیر و دیگر ایقتصادی سئکتورلارا دا تأثیر کؤستیریر. عۆمومیتله، کندیمیزده اکینچیلیک و باغچىلىق ایقتصادى-سۇسیال حیاتین اساس اۇخو کیمی تانینیر و کند جمعیتینین داواملیلیغیندا و ثابیتلییینده مۆهوم رؤل اوینایر.

دنمک اۇلار کى، کندیلیرین گۆندهلیک حیاتی حیواندارلیق و اکینچیلیکدن آسیلى ایدی و کئنده چۇخلو سؤرویه مالیک حیوانلارین چۇخو خالقین حیاتیندا بؤیوک رؤل اوینامیش، اۇنلارین سؤدوندن، اتیندن، یۇنوندان ایستیفاده ائتمیشدیر. کیمین چۇخلو قۇیون-کئچی و مال-قاراسی اۇلسایدی، اۇ کندین ان وارلی آداملاریندان ساییلیردی، بعضی عائللرین ایسه ایکی یۆزه قدر قۇیونو اۇلوردو و ان گۆزل حیات طرزى کئچیریردیلر. اگر کیمینسه قۇیون-کئچىسى یۇخ ایدیسه، کاسنیب ساییلیردی. کند جماعتینین حیاتیندا ارکک مال بؤیوک رؤل اۇلوب، مثلاً، کیمینسه آلتی اؤکوز اۇلسا، کۇتان سالا بیلردی و اۇ، هانپا عائللردن ساییلیردی. حتی آلتی ارکوزو اۇلان ایکی مۆشترک عائله‌نین کۇتان (دمیر اینک) اداره ائتمه‌سی و یا بیر نفرین خیش (جۆت) اداره ائتمه‌سی مۆمکون ایدی. یۇخسوللوغو گئریده قۇیدوقلارینی سؤیله‌ین. اۇنا گۆرمده دانا و قۇیون کندین و عائله‌نین حیاتیندا بؤیوک رؤل اویناسا دا، ایندیکی واختدا اۇنلارین اۇلماسی آرتیق وارلی اۇلماغین سببی اۇلا بیلیمز. چۆنکی تراکتور و دیگر کند تصرؤفاتى آلتلى اینک و مال-قارانی عوض اندیب، مۆعاصیر سۇپرمارکتلر اینسانلارین سؤد محصوللاری ایله باغلی ائحتیاجلارینی اؤدمه‌ی آسانلاشدیریب و کئچمیشله مۆقایسه‌ده حیات طرزینده دئییشیکلیکلرین اۇلدوغونو سؤیله‌مک اۇلار. حیواندارلیق صنايع و یا عنعنه‌ی اۇلاراق ائوده اندیله بیلر. یۇندان علاوه، حیواندارلیق پئشه فعالیتی کیمی بۇ گۆن تنخیکى و علمى بیلیرک طلب اندیر و محصولدارلیغی اۇپتیماللاشدیرماق و داها یاخشى محصول الده ائتمک اۆچون دۆزگۆن ادار مئتمه و قاباقجیل تنخؤلؤگیالاردان ایستیفاده طلب اندیر. سؤز وگئند کئنده ایریؤیونوزلو مال-قارانین، قۇیون-کئچینین نئجه یئتیشدیریلمه‌سی ایله باغلی داها گئنیش ایضاحات وئرمک لازیمدیر. اولجه قۇیون و کئچیلرین نئجه یئتیشدیریلمه‌سی ایله باغلی قیساجا اۇخوجولارا معلۇمات وئرملیم. قدیم دؤورلرده، یعنی تنخیکا اینکیشاف ائتمیشدن اول اینسانلار داها چۇخ حیواندارلیق و اکینچیلیکله مشغول اۇلوردولار و قۇیونچولوق کندین ان یاخشى گلیرلریندن بیرى حئساب اۇلونوردو. چۆنکی هر ایل چۇخالیر و ساینی آرتیریردیلر. اینسانلار اۇنلاری آرتیرماقلا یاناشی، یۇنوندان، دریسیندن، سؤدوندن ایستیفاده ائده بیلیردیلر و بۇ قۇیونلار مۆختلیف نؤولره بؤلونوردو، بیلدیبینیز کیمی، قۇیونلارین بیر حیصّه‌سی بالا، بیر حیصّه‌سی ائرکک، بیر حیصّه‌سی ایسه دؤغموش ایدی. اۇنلار یئرلی تئرمینله «دؤغموش»، ائرکک قۇیونلار «قسر»، یئنئ دؤغولان قۇیونلار «قوزی»، کئچیلره ایسه «اۇغلاق» دئییردیلر. اۇنا گۆرمده اۇنلاری آیرئ-آیریلیقدا اۇتلا یا پاریردیلر، چۆنکی سؤد وئرن قۇیونلار اۆز کۆرپهلرینه واختیندا سؤد وئرمه‌لی ایدیلر، قالان سؤدلرینی ایسه قادینلار ساغیردیلر و بۇ مۇقع اۇنلارین ائرکک قۇیونلاردان آیریلما‌سینی مۆعیین اندیردی. بۇ سببدن اینسانلار هر بیر نؤو اۆچون بیر چۇبان حئساب ائتمه‌لی اۇلدولار. عادتاً ائرکک قۇیونلار گئجه‌لر ائودن کناردا تۆولملرده قالیر، یا دا تارلالارا گئدیردیلر... اما ساغیم قۇیونلاری داها تنز ائوه گتیریردیلر و یا کندین یاخینلیغیندا آغالارین کؤلگه‌سینده یاتیردیلر کى، صاحیلری اۇنلاری داها راحت ساغا بیلسینلر. بۇ دیشی قۇیونلار و یا دؤغموش ائلانان حیوانلار عادتاً ائرکن یازدا بالا وئریردیلر و بیر مۆدت هر سحر و آخشام بالالارینی عمیزدیرملی اۇلورلار و بیر مۆدت سؤنرا قۇزولار بؤیویوب اۇتلا یا بیلنده ایکی دفعه اۇتاریلیردیلر. کندین یاخینلیغیندان سحر و آخشام ائوه گتیریلدیلر. اینکلرین یئتیشدیریلمه‌سی: کندیمیزده قدیم زمانلاردان اؤکوزلر و دیشیلر اۇلوب، یالنیز سؤدوندن ایستیفاده

انتمک اوچون همیشه دیشی اینکلردن داها یاخشئی یئتیشدیریلیب. بۇنا گۆرده اینکلر ات، سۆد ایستئحصالی و دریدن دری ایستئحصالی اوچون ایستیفاده اوچون یئتیشدیریلیر. بۇ حیواندان الدن اندیلن دیگر محصول حیوان پئیینیدیر. هلمده ایستیفاده اولونور. اما اگر دیشی اینک سۆدو قۇرودوقدان سۇنرا بالا وئرمسیدی، یا ساتیلیر، یا دا قصاب وئریلیردی. اما بۇغالار یۆکلنمک و شۇخوملاردا ایستیفاده اوچون یئتیشدیریلیردی. کئچمیشده هر بیر عائلهنین بیر نؤو غۆرور حیسی وار ایدی کی، بۇ ادارهچیلییه چۆرک پرورلیک واسیطهسی ایدی و کیمده چۆخ اولسا، اوندان داها یاخشئی ایستیفاده انده بیلردی. قیشدا هئچ بیر فایداسی یۆخ ایدی، سادمهجه واختیندا قۇلوق اندیردیلر و گۆنده بیر نئچه دفعه آخۇرلارینا سۇ، اؤت، سامان تۆکولور، قیشین سۇیوغوندا ایسه داها چۆخ حیاطلاردا سۇ وئریلیردی. هر گۆن بیر-بیر خیردا ال آلترلی ایله جیزیردیلار(قشولاردلار). اۇنلاری ائودن چىخارماق چۆخ چتین ایدی، چۆنکی اۇنلار وحشی مال-قارا کیمی اؤرا-بورا قاجیردیلار و بیر نئچه نفر اۇنلاری بیر-ایکی گۆن قۇرومالی اولدو، سۇنرا نۇرماللاشدیلار. ایندی بیز گۆروروک کی، کیم نالاییق ایشلر گۆرورسه، دئییرلر کی، نۇرمال وضعیتده دۆشمک اوچون بیر آز واخت لازیمدیر. بۇغالار یازدا شوخوم سۇرمک ایچین فایدالانیردلار، کیمین ایکی بوغاسی وارسا «دوگاو»، دۆرد بوغاسی وارسا، اۇنولا بیرلیکده شۇخوملاییر و «چارقو» دئییردیلر. اما کیمینسه آلتی بوغاسی اولسایدی، کوتانی اداره اندردی. بۇنو هامینین باجارمادیغی، بعضا ایکی عائله دمیر اۆکوزلرله بیرگه شۇخوملاییردی. سحرده گۆنورتایا کیمی بۇ بوغالار شۇخوملامادا ایستیفاده اولونور، گۆنورتادان سۇنرا ایشی دایاندیریر، گنجلر آخشاما قدر صحرادا اؤتاریر، نۆبەتی گۆن ایش یئنیندن تکرارلانیردی. گۆن. بۇ شۇخوملاما چۆخ گۆمان کی، بیر آى داوام اندهجک. شۇخوم بیتندن سۇنرا اؤ بیرى بوغالار یایین اؤرتالارینا قدر نفس آلدیلار، بۇغدا و بۇغدا بیچینی باشا چاتدیقدان سۇنرا اۇنلاری یئنیندن اربالاردا داشیماق اوچون اۆکوزلردن ایستیفاده اولونوردو و بۇ ایشده دۆرد اۆکوز اۇلمالی ایدی. بیر مۆدت بۇ ایشده اۆکوزلردن ایستیفاده اولونوب. همده پاییز مۆوسومونده بۇ اۆکوزلری شۇخوملاییب یئنیندن بۇغدا اکمک اوچون ایستیفاده اندیردیلر. چۆنکی شۇخوملانان ساحلره پاییزدا اۆکوزلر طرفیندن یئنیندن بۇغدا اکیلیردی. قالان واختدا اۇنلارا قۇلوق ائتمهلی ایدیلر یئنه واجیب ایش اوچون. سۆز یۆخ کی، بۇ ایشلرده هئچ واخت اۆکوزلردن ایستیفاده انتمه زدیلر.

-کند تصروفاتی: شکر یازى کندی قدیم زامانلاردان اکینچیلیکله مشغۇل اۇلوب و جماعتی زحمتکنش دیلر و زحمتکنش اولدوغوندان بۇ ایشده همیشه حدسیز چتینلیکلرله اۆزلهشیلر. کندیمیزده قدیم زامانلاردان اکینچیلیک اینکیشاف ائدیپ و بۇ گۆنده گۆرونور. کندیمیز یاغیش فئرماسی اولدوغو اوچون اولدن اۇنلارین گلیرلرینین چۆخو اکینچیلیکدن گلیردی و زحمتکنشلییی سایهسینده بۇ ایشده دایم اۇغور قازانیلار. سۇیوق قیش مۆوسومو باشا چاتاندان سۇنرا کند جماعتی ایشده باشلاییر، کند تصروفاتی ایشلرینین بۆنورمهسینی قۇبور. ائرکن یازدا باغچاسی اۇلنلار اوز باغلاریندا مشغۇل اولورلار. دیگرلری ایسه تۇرپاق شۇخوملانماغا حاضیر اۇلانا قدر، داشلارینی، تۇپاقلارینی تۇپلاماق کیمی، اکیمیش تۇرپاقلاریندا اۇنون حاضیرلیقلاری ایله مشغۇلدورلار. اؤ گۆندن اۆزلرینی شۇخوملاماغا حاضیرلاییردیلار. اولجه اۆکوزلرینی و یا اۆزلرینی یۇخلادیلار و ائرتهمسی گۆنه اۆزلرینی و اۆکوزلرینی حاضیرلاییب اکین ساحهسینه گئدیلر، ایلیک اول اۆکوزلر چیی اولدوغوندان بیرینجی و ایکینجی گۆن، اوچونجو گۆندن ایسه آز ایشلیردیلر، مۆنتظم شۇخوملاما ایشلرینه باشلادیلار. اؤ واخت کوتان اولسایدی، چۆخ شۇخوم انده بیلردیلر، اما ایکی-دۆرد اۆکوزله شۇخوملاما بیر قدر لنگ گئدیردی، هر حالدا، بۇ وضعیتده بیر قدر واخت کئچیریردیلر. اؤلا بیلسین، بیر-ایکی هئکتار شۇخوملاماق اولاردی، شۇخوملایاندان سۇنرا اساس کند تصروفاتی ایشی اۇلان بۇغدا و بۇغدا بیچینی تخمینا اییۇنون سۇنو، اییۇلون اولی گهلمه

کیمی باشقا ایشلرله مشغول اولورلار، مثلاً، اوت بیچمک و س... اوللر بعضی عائله‌لرده چۆرک بیشریمک اوچون بۇغدا و اۇن تۆکنیردی. ضرورتدن بۇغدا ساحلریندن بیرى هله یئتیشمیش بیچلمیش و اویودولموشدور. یایدا اۇندان چۆرک بیشریمک اوچون اۇنلار و ایشچیلری اۇندان ایستیفاده اندیردیلر. «ال خیوئه» دئییردیلر و بۇ چۆرکلرین کیفیتی یاخشى دئییلدی. بۇ زامان اولجه کندی «دۆز» آدلانان جنوب حیصّه‌سینده تۇرپاغین تۇرپاغی اولدوغوندان یاغیشلی حیصّه‌دن تئز گلیلر. اولجه آرچالاری بیچردیلر، چۆنکی قورو اولسایدی، بیچمک چتین اولاردی. سۇنرا کندی شرقینده اۇلان حسۆکندیین طرفلری بیچین گئیدیدی. بیتیردیکدن سۇنرا اثرته‌سی گۆندن خوشبختلیکله دیمه گئیدیلر. بۇ سببدن گنجه لریده اهالیسینین بعضیلریده تارلادا یاتیب سحر تئزدن گنجه قارالانا قدر محصول ییغیردیلر. شکریازی کندیمیزده اکینچیلیک، باغچیلیق و حیواندارلیقلا یاناشی، خالچاچیلیق دا خالچا وه قۇبۇلنن ایستحصالیندا ان موهوم ال و عنعنوی پروسەسلردن بیریدیر. بۇ پروسەس کیمی قۇیون و کئچیلرین یۇنوندان خالچا، کیلیم و خالچالار تۆخونور.

اۇلاجاق کندده خالچاچیلیق عنعنوی دزگه‌لاردان ایستیفاده اتمکله ال‌له آپاریلیر. بۇ پروسەسده یۇن اولجه یۇبولور و تهمیزلنیر و سۇنرا خالچا تۆخوماق اوچون مۇوجود اۇلان بۆتون تۇرلارا آسلیلر. سۇنرا خالچاچیلیق اوچون لازیم اۇلان ساپلار عنعنوی دزگه‌لاردا هندەسی اوصوللا تۆخونور. داها سۇنرا تۆخونموش ایپلر «ایپلیک دارتجی» آدلی ماشین واسیطه‌سيله خالچا ساپی کیمی یاپیشدیریلیر و سۇن اۇلاراق خالچا و یا خالچا پانئلی حاضیرلانیر. کندیمیزده خالچاچیلیق گۆزل عنعنوی صنعت نۆوو کیمی تانینیر و اۇنون قۇرونوب ساخلاماسینا، مۇلاتلارین کیفیتینین یۆکسک‌دیلیمه‌سینه چالیشماق دایم گۆندمده‌دیر. کندی اساس محصۇللاریندان بیرى کیمی بۇ کندی جماعتین گلیر و بیزنس منبعی حساب اولونور. خاطیرلاتمالییم کی، بۇ کندی اهالیسی قۇناقپورودیر، بیر-بیرینه قارشى مئهریبان‌دیر. دۇنیانین بیر چۇخ مدنیتلرینده اۇرژینال معدنی-معنوی دیرلردن بیرى قۇناقپورولیک و قۇناق‌لارلا مۇناسیبتده مئهریبان‌لیقدیر. بۇ داورانیش قۇناغا حۇرمات و اۇنون اوچون الوثریشلی شرایط یار اتماق ایسته‌یینی گۆستریر. بۇ سببدن، بیر چۇخ اینسانلار دۇستلارینین و عائله‌لرینین آیلنجه‌سینی یۆکسک قیمت‌لندیریر و اۇنلارلا داها یاخین علاقلر قۇرماغا چالیشیرلار. عۆمومیتله، قۇناقپور داورانیش مۇناسیبتلری یاخشیلاشدیرا و اینسانلار آراسیندا اونسیتی گۆجلندیره بیلر. شکریازی سلماس شهریستانیندا و تابع شهریستانین شیمال-شرقینده یئرلشن کندی. اۇنون ایقلمی عۆمومیتله بیر قدر داغلیقدیر و جۇغرافی مۇعینه و هۆندورلویونه گۆره داها آز یاغیش و قار یاغیر. آشاغیدا کندده نۇرمال هاوا شرایطی اطرافداکی هاوا شرایطیندن آسلیدیر و اطرافلی تصویر اندیلیمیشدیر:

یای کندده یای عادتاً ایستی، کۇبود و قورو کئچیر. یای آیلاریندا هاوا دورومو عادتاً ۳۲ درجه‌دن یۇخاری اولور. یای ایشلرینین چۇخو صحرا‌دا آپاریلدیغی اوچون چۇخ چتین و ناراحت اولور.

پاییز: کندده دیگر اطراف اراضیلر کیمی پاییز و قیش آیلاریندا مۇوسومی یاغیشلار اولور. بعضی ایللرده یازدا چۇخ یاغماسی ایستیتینا اولماقلا، دیگر فصیللرده نیسبتاً آز یاغیش یاغیر. قیش: قارین آزدیغی سۇن ایللر ایستیتینا اولماقلا، کندده قیش سۇیوق و قارلی کئچیر. بۇ مۇوسومده صئفیردان بیر نچه درجه سۇیوق اولور. بعضا رايۇندا قار گئنیش یاییلیر. کؤهنه گۆنلرده اساساً قیشدا گۆجلو فیرتینالارلا قار یاغیردی کی، ائودن بیر نچه متر آرنیا گئتمک اوچون کیفایت قدر جسارتلی اولماق لازیم اید.

یاز: بۇ فصیلده عادتاً مؤسوسى كۆلكلر و ياغیشلار مۆشاهیدە اولونور و داها چوخ ياغیش ياغیر، اونون یازى داها دا گۆزللشیر، صحرالارى یاشیل اولور و صحرادا چۆلدە ياغیش ياغیر، اونون یازى داها دا گۆزللشیر، صحرالارى یاشیل اولور و صحرادا چۆل چیچکلری گۆرونور. یاز-یای آیلاریندا کئنده گۆجلو کۆلكلر اسیر و بعضا تۆز-تورپاق یارادیر. قید ائتمک لازیمدیر کی، هاوا شرایطی ایل بویو دیشه بیلر و هر ایل اوچون دقیق فرقلر اولای بیلر. دئمک اولماز کی، قیشدا قار بعضا چووغون و توفانلا مۆشاییت اولونور و او، ائله چووغونا چئوریلیر کی، یۇللاری و اطراف اراضیلری دۆلدورور، یۇللارین باغلانماسینا سبب اولور.

یئنه قید ائدک کی، کئدین باغلاری حیثیت آمیز طبیعی گۆزلیگی ایله دقتی جلب ائدیر. بۇ باغلاردا چیچکلرین رنگ و اتیرلرینین مۆختلیفلیگی فصیللر و زامان دیشیکلیکلری ایله سیخ علاقمنی گۆستریر. آغاجلار یایدا تزه یاشیل یارپاقلاری ایله هۆندور و تهمیزدیر. پاییزدا نارینجی و قیرمیزی چیچکلر گۆزل و جلبندیجی منظره یارادیر. مؤسوسى ياغیشلارین سسی اینسانا دینجلیک قاتیر، اکینچیلیک تۇرپاقلاری مۆختلیف محصوللاری ایله حیاتی داها رنگارنگ ائدیر. بۇ گۆزل یئرلر دیگر گۆزلیکلر آراسیندا طبیعتین گۆزلییینی خوصوصی شکله تصویر ائدیر. بۇ کئدین طبیعتی ایله احاطه اولونموش گۆزل بیر اینجی وار. ان اوجقار یئرلرده یئرلشن یاشیللیقلاری و تپه لرین یاماجلاریندا یئرلشن تۇرپاقلاری، آچیق مکانی و دینجلیگی ایله گۆزل صحراسی ایله یاز فصلینده هر تاماشاچینی جلب ئدیر. کئدین یانیندان کچمن دیمیر یولو سیاحت ائندلرین بۇ اراضیه راحت گئدیش-گلیشینى تامین ائتمکله یاناشی، همده اطراف منظرهیه خوصوصی لذت و فوسونکارلیق قاتیر. هر دفعه قاطار کئدین یانیندان کچمده یازدا یاشیل تارالار، اطرافداکی آغاجلار حیثیت آمیز منظره یارادیر. طبیعتین گۆزلیگی ایله یاناشی، بیر کئدین مدنیتی ده اونون تاریخنه، جمعیتینه اوز تاثیرینی گۆستریر. یئرلی عادت-عنعنلر، سؤسیال مۆناسیبتلر کئد مدنیتینین بیر حیصه سیدیر. همچنین بۆلگمین جوغرافیاسینا عائید یئرلی اینجه صنعت، یئمکلر، موسیقی و حكايلردە خالقین مدنیتینی تمثیل ائدیر. کئد منظره لری عادتاً گۆزل و راحتلیجی طبیعتدن فایدالانیر. دۆزلیکلرین و صحرالارین و گۆزل آغاجلارین، اکین ساحه لرینین و یاخشى سۇلارین محتشم منظره لری کئدین گۆزلییینی داها دا آرتیریر. کئدیمیزین اوزونه مخصوص منظره سی اولای بیلر کی، بۇ دا کئدین گۆزل حیاتیینی ایفاده ائدن جلبندیجی جهتلردن بیریدیر .

آدیچکیلن کئنده فیتر و قۇربان بايراملارینی چوخ يۆكسک قيمتلندیریرلر و هر ایل اهرنی خوصوصی تئنته ایله قید ائدیرلر. فیتر بايرامی گونو اوتاغین اورتاسیندا دبدبلی سؤفرلر دوزولور و اورتاسینا هر جور مئوه و شیرینیات قویولور. اینسانلار بیر-بیرلری ایله گۆروشنده بیر-بیرینین ائوینه تزه و اوزونمخسوس پالتارلارلا گئدیر، نظیرلری تبریک ائدیر، ودری قبول ائدیر، شیرینیجات و مئوه لردن علاوه، دویو اونوندان، گۆیرتیدن، اریکدن، دولمادان دا مۆختلیف لذتلی یئمکلر حاضیرلاییرلار. بیر سۆزله، بۇ بايرامدا سؤفرده هر جور یئمکلر، ایچکیلر حاضیرلانییر. قۇربان بايرامینین فیتیر بايرامی ایله یاناشی، قۇربان بايرامینین خوصوصی عادتلری ده وار کی، بۇ بايرامدا مادی ایمکانی اولانلارین هر یئددی عائله سی بیر اینک کسبب اتینین چوخونو کاسییلارا وئریرلر، بۇ بايرامدا ایسه ایستیتیناسیز اولاراق، بۆتون ائو تصرفاتلاری کؤفته حاضیرلاییر. بۇ بايرامدا بیر هفته اول هر یئددی عائله عنعنه ی قۇربانلیق اولاراق بیر اینک آلیر، علاوه اولاراق بعضیلری قۇربان بايرامی اوچون اوزباشینا بیر قویون حاضیرلاییر. بعضیلرینین مادی ایمکانی یۇخدورسا، بعضی ایللرده ۴۵-۵۰ باش مال-قارا چاتان کئدین قۇربانلارینی بۆتون کئده بۆلورلر. هر بیر وارلی و کاسیب عائله بۇ گۆنده کؤفته

بیشیریر و کؤهنه عنعنیه عمل ائدیر. اوزاقدان بۇ کئدده مجلس اؤلسا بئله، اونا پای حئساب ائدیرلر. یئنده اطرافلی معلومات اؤچون بۇ بایرامین شکریازی کئدیندهکی مراسیمی قئساجا ایضاح ائدجم. . بایرامدان بیر گون اول عرفات گونو کیمی تائینیر. بۇ گون اوشاقلارا حالوا، خرما و دیگر شیرنیاتلار وئرلییر. بایرام گئجهسی کیشیلر مسجیده گئدیر و بایرام مراسیمیندن سونرا ایلک نوبهده اؤنلرین هر بیریندن بیر نفر قوربان کسپلهجک قوربانلارین ساینین نؤمایندهسی کیمی مجلسه چاغیریر و موعیین ائدیر. قوربانلارین سایی و کئدین عائلهلی کیمین ایشتیراک ائتدییی نظره آلمادان قوربان کسن نه قدر آداما قوربان اتینی وئرمهلیدیر، یعنی بۇ پای ایشتیراک ائدیب-ائتمهسیندن آسلی اؤلما یاراق هر کس اؤچوندور. اؤنلار بۇ سیاهییلاری نؤمایندهلره وئریب، کسیمدن سونرا سحر اؤز پایلاریندان اول پایلاماغی خواهیش ائدیلر. اولجه یئددی شریکین هامیسی کسپلن شخصین ائوینده مونتظم سحر یئمیی یئیرلر، سونرا ایسه اینهیی و یا باشقا حیوانی کسمیه باشلایلرلار. بۇ زامان اولجه بیرینجی ایفادهیه گؤره بیر نچه عائله اؤز پایینی گؤندیریر، سونرا قالانیی یئددی یئره بؤلوب عائلهلرینه گؤندیریلر. قادینلار ناهار اؤچون کؤفته بیشیرمکه مشغول اولوللار. قدیم زامانلاردان بۇ گون بؤتون عائلهلرین کؤفته حاضرلاماسی عنعنهسی وار. حیوانین دریسینین بؤتون حیصهلرینی بؤلوب یا ساتیرلار، یا دا آیقابیی تیکمک اؤچون پای وئریرلر. اگر ساتسالار، عادتاً پؤلوسجیده و یا مۆستحیلردن بیرینه وئریرلر. قدیم دؤورلرده اینهیی کسمزدن اول گؤزلرینه سؤرمه چکردیلر، حتی قانیی آلتینا، آغاجلارین آلتینا تۆکمک عادت ایدی. بعضی عادی کیشیلر و قادینلار اینکه اؤلماق وضعیتینه "مؤبارک" دئییردیلر. دئملیدیلر کی، سیزی یئجیمیزه سؤینیریک. بۇ بایرامدا اینسانلار دا بیر-بیرینی تبریک ائدیردیلر. حاجی لار کیمی همین ایل مککده شیرکت ائتدیکلرینی آرزو ائدیردیلر. مککیه گئدن هر کسین بؤتون گؤناهلاری باغیشلاناغینا و یئنی دؤغولموش اوشاق کیمی گؤناهلاردان تمیزلنجینه اینانیردیلر. هر گؤناهین مککیه گئتمکله تمیزلنمییینی بیلردیلر.